



KIM eNews / Jan. 11, 2001



< Kista InfoMedia > kelk@chello.se

# از آزادی بی قید و شرط «قلم، بیان و اندیشه» دفاع کنیم!

## خاطرات آیت الله منتظری



منبع: سایت [www.montazeri.com](http://www.montazeri.com)



## پیوست‌ها

### پیوست شماره ۱:

نوشته معظم‌له در مورد خدمات اسلامی مرحوم حاج شیخ احمد حججی

۱۵ ج ۱۳۹۵

بسم الله الرحمن الرحيم

در سنین کودکی به معیت پدرم که خدایش محافظت فرماید در نجف‌آباد اصفهان به مسجدی می‌رفتم. امام جماعت مسجدنیز بسیار به منزل و باغ ما رفت و آمد داشت. مردی بود بی‌آلایش و رفتارش با کوچک و بزرگ بسیار عادی و بدون تشریفات بود. کم‌کم بزرگتر شدم و با خواندن و نوشتن آشنا شدم و با ترغیب آن مرد بزرگ پدرم مرا به منظور آموزش علوم اسلامی به اصفهان و قم فرستاد. در ایام تعطیلات در نجف‌آباد از جماعت و تدریس آن مرد بزرگ استفاده می‌کردم و

در خدمت ایشان هم چند سفر به اصفهان و یک سفر به قم رفتیم. با اینکه از جهت فضل و کمال ممتاز بود و بیشتر مردم آن منطقه به ایشان ارادت می‌ورزیدند و مرجع وجوه شرعیه بود زندگی ایشان بسیار ساده و متوسط بود و با رفتار و عمل مردم را به دین و مذهب سوق می‌داد. همش ترغیب مردم مخصوصاً جوانان به تعلم و فراگرفتن علوم اسلامی بود و با یک فرد محصل و طالب علم همچون پدرمهربان رفتار می‌کرد و طلاب را بسیار مورد تشویق قرار می‌داد و روی این اصل در منطقه نجف‌آباد و اطراف و حومه آن عده بسیاری به سراغ تحصیلات علوم دینیہ رفتند و بین آنان اساتید و فضلاء کثیری پیدا شد. بسیاری از مردم نجف‌آباد از تاجر و کاسب و زارع با علوم عربی و کتب دینی آشنا شدند و در اثر اخلاق عمومی ایشان و برخورد خوبی که با اشخاص داشت در اکثریت قاطع مردم محل گرایش مذهبی عجیبی پیدا شد.

با یک برداشت و درک صحیحی از دین و مذهب که هنوز پس از حدود سی سال که از وفات آن مرد بزرگ می‌گذرد به دنباله تحولی که ایشان پایه‌ریزی کردند شهرستان نجف‌آباد را می‌توان کانون علم و دانش و مذهب شمرد و گذشته از علماء و فضلاء آن شهر حدود نیمی از مردم عادی نجف‌آباد تا اندازه‌ای با علوم عربی و اسلامی آشنا می‌باشند و در درک مسائل مذهبی امتیاز خاصی دارند.

خداوند به ما توفیق دهد که بتوانیم به پیروی از آن مرد بزرگ خدمت به اسلام و مسلمین را وجهه همت خود قرار دهیم و در انجام وظایف دینی و وجدانی کوتاهی نکنیم و تجملات و علائق دنیای فانی ما را نفریبد، آمین یا رب العالمین.

آن مرد بزرگ که خدا در جانش را عالی کند و با محمد و آل محمد محشورش فرموده و حقوق او را بر ما جبران فرماید مرحوم مغفور حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ احمد حججی نجف‌آبادی بود. نورالله مرقد الشریف بحق محمد و آله الطاهرین. والسلام علی جمیع اخواننا المومنین و رحمہ الله و برکاته.  
حسینعلی منتظری نجف‌آبادی

## پیوست شماره ۲:

نوشته معظم له پیرامون آشنایی ایشان با آیت‌الله شهید مرتضی مطهری

بسم الله الرحمن الرحيم

در سال یکهزار و سیصد و بیست شمسی هجری در سن نوزده سالگی برای ادامه تحصیل به تشویق بعضی از دوستان اصفهان عازم قم شدم، و در مدرسه مرحوم حاج ملاصادق ساکن شدم، و پس از چندی در مدرسه فیضیه در درس سطح کفایه جلد اول باب اوامر که به وسیله مرحوم آیت‌الله آقای حاج سید محمد محقق یزدی معروف به داماد تدریس می‌شد شرکت کردم، مجموع شرکت کنندگان از ده نفر کمتر بودند.

پس از چندی یک نفر از شرکت کنندگان که می‌نمود چند سالی از من بزرگتر است پیشنهاد کرد مطالب درس را با یکدیگر بحث کنیم. در اول من با سردی از این پیشنهاد استقبال کردم ولی بتدریج ارتباط و علاقه ما به یکدیگر بیشتر می‌شد، و در بحث به مطالب درسی قناعت نمی‌کردیم، بلکه مسائل مختلف اسلامی و حتی مسائل فلسفی و عرفانی را در حدود استعدادمان مورد مذاکره قرار می‌دادیم. این جوان با هوش و خوش استعداد و پرکار و با همت و متقی و مقید به آداب و سنن اسلامی مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مرتضی مطهری فریمانی خراسانی بود، اعلی‌الله مقامه و رفع فی الخلد درجته.

باری ایشان در مدرسه فیضیه سکونت داشتند و من هم به مدرسه فیضیه منتقل شده بودم و بتدریج در زندگی و دخل و خرج و درس و بحث و گردش و تفریح و حضور در مجالس و محافل

دینی و اخلاقی با یکدیگر ملازم بودیم و هر چند از نظر مادی هردو با عسرت و سختی می‌گذراندیم، ولی با درس و مذاکره و شرکت در بعضی محافل و انجمنهای آموزنده مخصوصا درس اخلاق حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی که عصرهای پنج‌شنبه و جمعه در مدرس مدرسه فیضیه تدریس می‌شد دلخوش بودیم و از درسهای خارج مرحوم آیت‌الله داماد و آیت‌الله حجت تبریزی استفاده می‌کردیم. ضمنا هر دونفر دورادور نسبت به مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا حسین بروجردی طاب‌ثراه که در آن زمان در بروجرد بسر می‌بردند ارادتی خاص پیدا کردیم، چنانچه مرحوم آیت‌الله مطهری در تابستان ۱۳۶۲ قمری و من در تابستان ۱۳۶۳ به بروجرد رفتیم و با درس و مذاق و اخلاق آن مرحوم آشنا شدیم و پس از اینکه آن مرحوم در محرم ۱۳۶۴ قمری به دعوت بزرگان و اساتید قم از جمله حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی به قم آمدند ما دونفر از ملتزمین درس اصول و فقه آن مرحوم شدیم و ضمنا منظومه حکمت و سپس اسفار را نزد آیت‌الله خمینی می‌خواندیم. پس از چندی چون درسهای مرحوم آیت‌الله بروجردی عمومی و شلوغ بود و ما احتیاج داشتیم به یک درس خصوصی که بتوانیم در آن بحث آزاد داشته باشیم، لذا مباحث عقلیه اصول را نیز نزد آیت‌الله خمینی شروع کردیم و از اینجا دروس عالیه آیت‌الله خمینی در حوزه علمیه قم پایه‌گذاری شد، و ضمنا ما غیر از مباحثات فقهی و اصولی جلد اول اسفار را نیز با یکدیگر بحث می‌کردیم و هر کدام نیز جداگانه حوزه تدریس داشتیم و در شبهای پنج‌شنبه و جمعه نیز در جلسه بحث فلسفی آیت‌الله علامه طباطبایی شرکت می‌کردیم و همین بحثها پایه کتاب اصول فلسفه شد. این جریان حدود ده سال برقرار بود تا اینکه مرحوم آیت‌الله مطهری در اثر گرفتاریهای زندگی دیگر قدرت اقامت در قم را نداشت لذا به تهران مهاجرت کردند، ولی بحمدالله وجود ایشان در تهران منبع فیض بود و در محیط دانشگاه و بیرون از دانشگاه به تدریس و تالیف و نشر معارف اسلامی پرداخت. شکرالله مساعیه الجميله.

مرحوم آقای مطهری در علوم اسلامی از قبیل تفسیر و اصول فقه و اصول دین و فلسفه شرق مجتهد و اهل نظر بود و مخصوصا اعماق مسائل فلسفه صدرالمتهلین شیرازی را دقیقا لمس کرده بود و گفتار و تالیفات آن مرحوم دقیق و پخته و آموزنده بود و برای نسل جوان دانش‌پژوه بسیار سودمند و ارزنده است. آن مرحوم در شناساندن مکتب اسلام اصیل و در مبارزاتی که به رهبری امام خمینی شروع شد نقش موثری داشت و در پانزده خرداد که آیت‌الله خمینی و عده‌ای از علمای اعلام و روشنفکران بازداشت شدند آن مرحوم نیز جزء بازداشت‌شدگان بود و همیشه از یاران با وفای انقلاب و رهبر انقلاب بود. و از ویژگیهای آن مرحوم اینکه محیط پرتلاطم تهران ایشان را آلوده نکرد و صفا و خلوص و سادگی و جهات اخلاقی و معنوی ایشان کماکان باقی ماند و چه فضیلت بزرگی است برای انسان که محیط در او اثر سوء نگذارد، بلکه او بتواند در محیط اثر خوب داشته باشد. - و نیز از ویژگیهای آن مرحوم تقید و علاقه مفرط ایشان بود به ذکر و دعا و تهجد و شب‌بیداری - بیاد دارم که در همان اوایل آشنایی ما با یکدیگر ایشان به نماز شب مقید بود و مرا نیز بدان تحریص می‌کرد و من به بهانه اینکه آب حوض مدرسه شور و کثیف و برای چشمانم مضر است از آن شانه خالی می‌کردم. تا اینکه شبی در خواب دیدم که خوابم و مردی مرا بیدار کرد و گفت من عثمان بن حنیف نماینده حضرت امیرالمومنین علی (ع) می‌باشم، و آن حضرت به تو دستور داده‌اند بپاخیز و نماز شب را بپای دار و این نامه را نیز آن حضرت برای تو فرستاده‌اند. در آن نامه با حجم کوچکی که داشت با خط سبز روشن نوشته شده بود: «هذه براءة لك من النار»، من در عالم خواب با توجه به فاصله زمانی حضرت علی (ع) متحیرانه نشسته بودم که ناگاه در همان حال تحیر مرحوم آیت‌الله مطهری مرا از خواب بیدار کرد درحالی که آفتابه آبی در دست داشت و گفت این آب را از رودخانه تهیه کرده‌ام برخیز و نماز شب بخوان و بهانه مجوی.

آن مرحوم فیض بزرگ شهادت را دریافت. گوارا باد او را، حشره‌الله تعالی مع الشهداء والصالحین و رزق‌الله اولاده و اهل بیته الصبر والاجر بجاه محمد و آله.

به تاریخ ۱۶ ربیع الاول ۱۴۰۰  
قم - حسینعلی منتظری

### پیوست شماره ۳:

نامه آیت الله العظمی بروجردی به هنگام اعزام معظم له به تبلیغ  
بسم الله الرحمن الرحيم

معروض می دارد مکتوب آقایان رسید معلوم می شود که آنجا از آقایان کسی نیست که مردم را هدایت نماید لذا جناب مستطاب ثقه الاسلام آقای آشیخ حسینعلی منتظری دامت افاضاته که از اجله فضلاء هستند فرستادم، مقتضی است اهالی از وجود معظم له قدردانی نموده و استفاده و استفاضه نمایند. از همه ملتمس دعاء هستیم. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته.  
۱۶ صفر ۱۳۷۲ - حسین الطباطبائی

### پیوست شماره ۴:

سند ساواک در رابطه با ناراحتی اطرافیان شاه از ضد بهایی بودن معظم له

وزارت جنگ

ریاست ستاد ارتش

اداره: لشکر ۹ زرهی

دائرة: رکن ۲

شماره ۲/۶۶۸۶ ۳۴/۵/۲۹ محرمانه

در باره وضع بهائیهها در نجف آباد

پیرو شماره ۳۶۱۶ - ۳۴/۳/۲۴ - رکن ۲

برابر گزارش شهربانی اصفهان، شیخ حسینعلی منتظری خود را نماینده آیت الله بروجردی در نجف آباد معرفی و روز ۳۴/۵/۲۰ از وعاظ و معتمدین و اصناف و سایر طبقات دعوت و اظهار داشته که به موجب فتوای آیت الله بروجردی معامله مسلمین بابهایها تحریم گردیده و مسلمین نباید با بهائیهها رابطه و خرید و فروش داشته باشند. با اینکه قبلا آموزش کافی به شهربانی اصفهان داده شده بود مجددا تاکید گردید که از هرگونه تحریکات و اقدامات نامبرده جدا جلوگیری شود. فعلا آرامش در نجف آباد برقرار بوده و مامورین انتظامی مراقب اوضاع می باشند. م - ع فرماندهی لشکر ۹ زرهی اصفهان - سرتیپ ضرغام

### پیوست شماره ۵:

امام خمینی به آقای اسدالله علم -نخست وزیر- در مورد ورود زنها به مجلسین و انجمنهای ایالتی و ولایتی متن تلگراف

بسم الله الرحمن الرحيم

تهران، جناب آقای اسدالله علم نخست وزیر ایران

در تعطیل طولانی مجلسین دیده می‌شود که دولت اقداماتی را در نظر دارد که مخالف شرع اقدس و مباین صریح قانون اساسی است. مطمئن باشید تخلف از قوانین اسلام و قانون اساسی و قوانین موضوعه مجلس شورا برای شخص جنابعالی و دولت ایجاد مسئولیت شدید در پیشگاه مقدس خداوند قادر قاهر و نزد ملت مسلمان و قانون خواهد کرد، ورود زنها به مجلسین و انجمنهای ایالتی و ولایتی و شهرداری مخالف قوانین محکم اسلام که تشخیص آن به نص قانون اساسی محول به علمای اعلام و مراجع فتوا است و برای دیگران حق دخالت نیست و فقهای اسلام و مراجع مسلمین به حرمت آن فتوا داده و می‌دهند، در این صورت حق رای دادن به زنها و انتخاب آنها در همه مراحل مخالف نص اصل دوم از متمم قانون اساسی است و نیز قانون مجلس شورا مصوب و موشح ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را در انجمنهای ایالتی و ولایتی و شهرداری از زنها سلب کرده است. مراجعه کنید به مواد هفت و نه قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی و پانزده و هفده قانون انجمن بلدی (شهرداری) در این صورت چنین حقی به آنها دادن تخلف از قانون است و نیز الغاء شرط اسلام در انتخاب کننده و انتخاب شونده که در قانون مذکور قید کرده و تبدیل قسم به قرآن مجید را به کتاب آسمانی تخلف از قانون مذکور است و خطرهای بزرگی برای اسلام و استقلال مملکت دارد که یا غفلت یا خدای نخواستہ عمدا اقدام به این امر شده است. اکنون که اعلیحضرت درخواست علمای اعلام رابه دولت ارجاع فرموده‌اند و مسئولیت به دولت شما متوجه است انتظار می‌رود به تبعیت از قوانین محکم اسلام و قوانین مملکتی اصلاح این امر را به اسرع وقت نمایید و مراقبت کنید که نظائر آن تکرار نشود و اگر ابهامی در نظر جنابعالی است مشرف به آستانه قم شوید تا هرگونه ابهامی حضوراً رفع شود و مطالبی که به صلاح مملکت است و نوشتنی نیست تذکر داده شود، و در خاتمه یادآور می‌شود که علمای اعلام ایران و اعتبار مقدسه و سایر مسلمین در امور مخالفه با شرع مطاع ساکت نخواهد ماند و به حول و قوه خداوند تعالی امور مخالفه با اسلام رسمیت نخواهد پیدا کرد.

۴۱/۷/۲۸ - روح الله الموسوی الخمينی

**پیوست شماره ۶:** متن تلگراف علمای مهاجر به تهران - پس از قیام خونین پانزده خرداد- به امام خمینی که توسط معظم له تنظیم و به امضای علما رسیده است.  
مورخه ۱۳۴۲/۴/۲۷

تهران - شماره ۳۰۶ - به وسیله ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور  
محضر مبارک آیت الله العظمی آقای خمینی مرجع عالیقدر تقلید  
رونوشت: حضرت آیت الله محلاتی  
رونوشت: حضرت آیت الله قمی دامت برکاتهم  
روحانیون شهرستانهای ایران پس از تقدیم سلام به جناب عالی و ابراز تاثر از پیشامدهای ناگوار و اهانت به مقام شامخ روحانیت و مرجعیت برای اظهار همدردی و پشتیبانی از هدف مقدس روحانیت از شهرستانها به تهران حرکت نموده، استخلاص حضرتعالی و کلیه محبوسین حوادث اخیر و موفقیت شما را برای اعلای کلمه اسلام از خداوند متعال خواستاریم.

الحاج بحر العلوم الرشتی - الحاج سید محمود ضیابری الرشتی - حسین الموسوی الخادمی  
اصفهانی - علی ابن ابراهیم همدانی - مرتضی الحائری - روح الله کمالوند - حاج سید حسین رودباری  
رشتی - الاحقر علی اصغر صالحی کرمانی - نصرالله الموسوی بنی صدر همدانی - الاحقر عبدالله  
مجتهدی تبریزی - محمود علوی شیرازی - الاحقر سید یوسف الهاشمی تبریزی - الاحقر

عبدالرسول قائمی آبادانی- الاحقر عبدالجواد همایونشهری- حسین الحسینی الیزدی شیرازی- محمد جعفر طاهری شیرازی- الاحقر علی آقا یقطینی شیرازی- الاحقر سیداحمد خسروشاهی تبریزی- محمد حسن النجفی الرفسنجانی- الاحقر محمد الموسوی الشمس آبادی اصفهانی- محمد هاشمیان- الاحقر حسین گوگانی تبریزی- الاحقر الفانی محمدتقی مراغه‌ای- الاحقر سید احمد پیشوا کازرونی- الاحقر السید عبدالله موسوی شبستری- الاحقر رفیع مدرس تبریزی بستان آبادی- الاحقر محمد الصدوقی الیزدی- الاحقر احمد امینی مراغه‌ای- العبد مجتبی العراقی- سیدمهدی یثربی کاشانی- حسینعلی منتظری نجف آبادی- ابراهیم امینی نجف آبادی.

**پیوست شماره ۷:** متن تلگرام جمعی از روحانیون شهرستان نجف آباد به امام خمینی در پی انتقال ایشان از ترکیه به نجف اشرف، مورخه مهرماه ۱۳۴۴

نجف اشرف

مرجع تقلید شیعه حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی انتقال حضرتعالی از ترکیه به عراق تا اندازه‌ای موجب مسرت، ولی ملت ایران عموماً منتظر مراجعت حضرتعالی به حوزه علمیه قم هستند تا از افاضات و رهبریهای شما بهره‌مند گردند. امید است در آتیه بسیار نزدیک این موفقیت حاصل شود.

حسینعلی منتظری، عباس ایزدی، ابوالقاسم حججی، غلامرضا حجتی، سید محمود مدرس، سید جواد سجادی، ابراهیم توسلی، اسدالله فتاح‌الجنان، سید هادی طباطبایی، محمد علی صالحی، محمد حسین کاظمی، سید کمال حسینی، حسین بهرامی، سید جعفر طباطبایی، سید اکبر حسینی، سید حسن هاشمی، محمدجعفر رحیمی، محمد علی موحدی، سید حسن حسینی، غلامرضا داوری، سید فخر هاشمی، حسین معزی، جعفر جعفری، الاحقر محمد استکی، سید ولی الله موسوی، سید حیدر کاظمی، سید هاشم امانی، سید حسین هاشمی، الاحقر ابوطالب مصطفایی، مهدی حسینی.

**پیوست شماره ۸:** متن نامه فضلا و محصلان حوزه علمیه قم به امام خمینی در پی انتقال ایشان از ترکیه به نجف اشرف، مورخه مهرماه ۱۳۴۴

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مقدس بزرگ مرجع عالم تشیع حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی متع الله المسلمین بطول بقائه

هر چند انتقال حضرتعالی از ترکیه به عتبات عالیات از جهتی مایه خرسندی است ولی ادامه تبعید آن مرجع عالیقدر که به خاطر دفاع از قرآن و حقوق ملت اسلام و حمایت از استقلال و تمامیت ارضی کشور اسلامی ایران صورت گرفته است، بسی موجب تاثر و تنفر عموم ملت ایران است. ملت شریف مسلمان ایران و حوزه علمیه قم که از منویات مقدس آن قائد عظیم الشان پیروی می‌کنند و برای تأمین و اجرای آن از هیچ گونه فداکاری دریغ ندارند، انتظار دارند که به زودی موانع برطرف شود تا با مراجعت حضرتعالی به حوزه علمیه قم و با تدبیرات خردمندانه و رهبریهای ارزنده آن زعیم عالیقدر، مصالح عالییه اسلام و ایران و حقوق از دست رفته ملت تأمین گردد.

ادام الله ظلکم علی رؤس الانام

حسین نوری، احمد آذری قمی، ربانی شیرازی، علی اصغر مروارید، محمد علم الهدی خراسانی، حسینعلی منتظری، ابوالفضل النجفی الخوانساری، سید محمدرضا سعیدی، علی المشکینی، الاردبیلی، ناصر مکارم شیرازی، محمدتقی مصباح یزدی، ابوالقاسم خزعلی، علی اکبر مسعودی، سید موسی شبیری زنجانی، محمد مفتاح، مهدی الحائری الطهرانی، غلامرضا صلواتی عراقی، جوادی آملی، سید مصطفی علم الهدی.

**پیوست شماره ۹:** متن تلگرام فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم به امام خمینی در پی انتقال ایشان از ترکیه به نجف اشرف، مورخه مهرماه ۱۳۴۴

نجف اشرف

محضر مقدس آیت الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی

گرچه انتقال حضرتعالی از ترکیه به عراق از آن جهت که محیط مناسبتری است مایه خوشوقتی است، ولی ادامه محرومیت ملت ایران و مخصوصاً حوزه علمیه قم از افاضات آن مرجع عظیم الشان موجب افسردگی شدید عموم است. امیدواریم در آینده بسیار نزدیک با مراجعت حضرتعالی به قم مردم ایران از نعمت رهبریهای ارزنده آن زعیم عالیقدر که موجب تامین مصالح اسلام و مسلمین است بهره مند گردند.

ابوالفضل النجفی الخوانساری، الاحقر محمد شاه آبادی، حسینعلی منتظری، مکارم شیرازی، سید محمدباقر ابطحی، ربانی شیرازی، سیدمصطفی علم الهدی، محمد حسین مسجدجامعی، عبدالعظیم محصلی، اکبر هاشمی، حسین نوری، علی پناه اشتهااردی، حسین المظاهری، ابوالقاسم خزعلی، سید یوسف تبریزی، علی المشکینی، ابراهیم امینی، جعفر سبحانی، علی قدوسی، احمد پایانی اردبیلی، سیدموسی شبیری زنجانی، مصطفی اعتمادی، یحیی انصاری شیرازی، محمد محمدی گیلانی، نعمت الله صالحی، سید مهدی حسینی لاجوردی، محمد مفتاح، سید محمدرضا سعیدی، هاشم تقدیری، ابوالقاسم محجوب، احمد آذری، محمد موحدی، محمدعلی گرامی، احمدجنتی، محمدرضا توسلی.

**پیوست شماره ۱۰:** متن نامه جمعی از علما و فضلاي حوزه علمیه قم به امیرعباس هویدا - نخست وزیر - درباره تبعید امام خمینی، مورخه ۱۳۴۴/۸/۳۰

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای نخست وزیر

رونوشت: دیوانعالی کشور

بیش از یک سال است که پیشوای عالیقدر و مرجع تقلید شیعه حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی ادام الله ظلّه بر خلاف قانون در زندان استعمار (ترکیه) تحت نظر و سپس در عراق به طور تبعید به سر می برند. در طی این مدت، مردم ایران به ویژه حوزه علمیه قم از رهبریهای ارزنده و تعالیم و تربیتهای فروزنده ایشان محروم بوده و با کمال بی صبری در انتظار قدوم شریف ایشان دقیقه شماری کرده

اند. وضع مسلمانان و روش ناهنجار دولتهای غیر ملی به جایی کشیده که مرجع دینی یک ملت نتواند احکام الهی را صریحاً بیان کند و از آزادی ملت و استقلال کشور خود دفاع نماید، و به جرم اعتراض (به کاپیتولاسیون منفور) بیش از یک سال در حال تبعید و ناراحتی به سر برد، آری

به جرم اعتراض به کاپیتولاسیون یعنی به جرم اعتراض به لایحه‌ای که می‌گوید ملت ایران باید در برابر اراده و خواسته‌های اجانب تسلیم، و حق هیچ‌گونه دفاع از مال و جان و ناموس خود نداشته باشد. ما نفهمیدیم اگر کاپیتولاسیون به نفع و صلاح ملت است چرا یک روز برای الغای آن جشنها گرفتند و الغای آن را از افتخارات هیئت حاکمه آن روز شمردند، و اگر به ضرر است چرا دو مرتبه آن را با وضع فجیعتری به ملت ایران تحمیل کردند، آیا دولتها فکر نمی‌کنند این مملکت آتیه‌ای دارد نسل دیگری در پی این نسل است؟ تاریخ، پس از این کارهای ما را دقیقاً بازگو می‌کند، نسل آینده گذشته‌ها را مورد بررسی قرار داده و در صفحات تاریخ واقعیت کردار ما را رنگین یا ننگین مجسم می‌سازد.

آن روز که بزرگ مرجع جهان شیعه مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد حسن شیرازی حکم تحریم تنباکو را صادر فرمود، شاید هیئت حاکمه که پافشاری زیاد برای خنثی کردن آن حکم داشت خیال نمی‌کرد تاریخ آینده با قضاوت صحیح، خادم و خائن را مشخص نموده و هر یک را در صفحه‌ای به عظمت و حقارت، به خدمت یا خیانت معرفی کرده و در معرض افکار جهانیان قرار می‌دهد. آن روز که نابغه شرق سید جمال‌الدین اسدآبادی برای گسستن زنجیرهای استعمار و مبارزه با خودکامگی و استبداد قد علم کرد و لوای آزادیخواهی برافراشت، زمامداران آن روز تصور می‌کردند با تهمت‌های ناروا، تحریف حقایق و تبعید آن مجاهد رشید می‌توانند تاریخ را مسخ نموده و افکار نسل‌های آینده را منحرف سازند، ولی اکنون بر خلاف تصور آنها تاریخ قضاوت می‌کند که هیئت حاکمه آن روز ایران با سرپیچی از راهنمایی‌های آن بزرگ مرد، ملت ایران را از سعادت و سیادت‌تی که به آنها رو آورده بود محروم نموده و با تبعید او رشد و ترقی را از آسیا به‌جانب آفریقا سوق داد.

تاریخ دائماً گذشته‌ها را به صورت نوینی تجدید می‌کند. امروز همان بزرگ مرجع شیعه و همان نابغه شرق هر دو در شخصیت حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای خمینی متمثل شده، و تاریخ همان آزادیخواهی، همان مبارزه با استعمار و استبداد، همان تبعید و همان محرومیت ملت ایران را به صورت تازه منعکس می‌سازد، با این تفاوت که مردم امروز ایران در تشخیص حقایق از خرافات و تمیز خادم از خائن دقیقتر، و در برابر افکار متضاد بهتر از عهده قضاوت برمی‌آیند. (امروز هیئت حاکمه ایران هر گونه آزادیخواهی، هر گونه شکوه از فقر و بیچارگی و بالاخره هر گونه مبارزه با عوامل فساد و ایادی استعماری را با تهدید، ارباب، حبس، شکنجه، تبعید و اعدام پاسخ می‌دهد و دائماً کوشش می‌کند نفس‌ها را در سینه‌ها خفه سازد و خفقان را بیشتر گسترش دهد.) روزی نمی‌گذرد که خبر تازه موحشی به گوش نخورد و ناراحتی جدیدی به سراغ مردم نیاید. درهای زندانها و شکنجه‌گاهها به روی مردم باز است، محاکم در بسته نظامی، بی‌حساب به حسابها رسیدگی می‌کند، ملت از جریان روزمره مملکت به هیچ‌وجه اطلاعی ندارد، بر خلاف خواست سازمانهای پلیسی چیزی در روزنامه‌ها منعکس نمی‌شود، دسته دسته مردم رشید به اعدام و تبعید و حبسهای طویل‌المدت محکوم می‌شوند و ملت از جریان محاکمه آنان خبری پیدا نمی‌کند.

هنوز حبسهای دسته جمعی، اعدام، شکنجه، آزار روحانیون و مردم متدین پایان نیافته که خبر ناراحت‌کننده تازه‌ای افکار را به خود مشغول نموده و خانواده‌هایی را تحت ناراحتی قرار داده است. شایع است که به تازگی متجاوز از صد نفر دانشجو، کسبه و روحانی را در ظرف یکی دوروز به جرم شرکت در جلسات دینی گرفته‌اند و پدرها و مادرها از جرم و یا از علت جلب و مکان و احوال آنان هیچ‌گونه اطلاعی ندارند، و بازار مسلمانها را سیاه و تجار محترم نوعاً رو به ورشکستگی می‌روند و کسی جرات حق‌گویی ندارد. این است معنی آزادی در مملکت دمکراسی ایران! درست است که در سایر کشورها ناراحتیهایی نیز وجود دارد ولی تفاوت فاحش است بین دولتهایی که به خاطر ملت با استعماری جنگند و دولتی که به خاطر استعمار با ملت می‌جنگد.



آقای هویدا! ملت ایران نمی‌تواند ببیند مرجع تقلید و پیشوای مذهبی خود در تبعید و سایر رهبران ملی محدود بوده باشند و با این حال ساکت‌نشسته، به کارهای هیئت حاکمه صحنه گذارند. شما خیال نکنید با انتقال حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی از ترکیه به عراق می‌شود احساسات افروخته این ملت را خاموش کرد، ادامه تبعید حضرت آیت‌الله خمینی در هرجا و به هر صورتی که باشد مایه ناراحتی و خشم عموم ملت است.

آقای هویدا! هر چه در نظر شما محترم است وجدان، مذهب، قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر با این طرز حکومت مخالف است. شما یقین بدانید حکومت‌هایی که پایه آن بر ظلم و ستم به ملت است بقاء و ثباتی ندارد «الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم»، «قد مکر الذین من قبلهم فاتی الله بنیانهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوقهم و آتیهم العذاب من حیث لایشعرون». ما در خاتمه متذکر می‌شویم لازم است به این وضع اسفناک خاتمه داده شود و با ارجاع حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی به قم و خاتمه دادن به حبس، شکنجه، اعدام و مبارزه با دین و ملت شکاف بین مردم و دولت را پر کنید.

ما تا به حال کرارا به منظور صلاح ملک و ملت تذکراتی به شما و دولت‌های قبل داده و عواقب سوء ظلم و ستم را متذکر شده‌ایم. امید است که تذکرات مشفقانه ما مورد قبول واقع شود.

ابوالفضل النجفی الخوانساری، علی حیدری نهانوندی، حسن حسن‌زاده آملی، حسینعلی منتظری، علی المشکینی الارذیبلی، عبدالرحیم الربانی الشیرازی، سید محمدرضا سعیدی، حسین نوری، سید یوسف تبریزی، مهدی الحسینی الروحانی، علی قدوسی، علی اکبر مسعودی، حسین المظاهری، مرتضی مقتدایی اصفهانی، محمد مهدی ربانی، اکبر هاشمی، محمد محمدی گیلانی، محمد حسین مسجدجامعی، ابوالقاسم مسافری، یحیی فاضل همدانی، محسن حرم‌پناهی، رضا گلسرخ‌کی کاشانی، سید حسن طاهری، علم الهدی اهوازی، الاحقر عبدالعظیم محصلی، سید عبدالمجید ایروانی، عباس محفوظی، محمد علی گرامی، کریمی، العبد محسن الخراسانی، الاحقر محمدالشاه‌آبادی عفی عنه، مصطفی اعتمادی، یدالله پورهادی، سید محمدعلی موسوی، محمد باقر حسنی، جوادی آملی، سید احمد موسوی، مهدی الحائری، ابوالفضل علمایی، هاشم تقدیری، یحیی انصاری، محمد مومن، احمد آذری قمی، محمد حسینی خامنه‌ای، سید حسین خلخالی، یعقوب الموسوی الزنجانی، غلامحسین عابدی، یوسف صانعی، مصطفی زمانی نجف‌آبادی، الشیخ محمد الهمدانی، محمد کاظم شرفی یزدی، علی کاظمی، سید محمود دعایی، سید ابوالفضل الموسوی التبریزی، احمد آیتی اصفهانی، سید محمد صادق زیارتی، عبدالحسین معزی تهرانی، محمد خندق آبادی، قاسم تهرانی، میرآقا موسوی زنجانی، علی احمدی، محمد تقی مصباح یزدی، محمد علی منتظری، سید صدرالدین طاهری شیرازی، حجت‌الله کیانی، محی الدین فاضل هرنندی، علینقی فرایی زنجانی، محمد صدرالدین طباطبایی مهریزی، غلامرضا زندی، محسن دوزدوزانی، علی تهرانی پهلوانی، فتح‌الله شهاب، سید محمد حسینی، مهدی کروی، حسین مفید دلجانی، حجت کشفی، غلامحسین ایزدی، سید محمد تقی محصل همدانی یزدی، سید محمد تقی شاهرخی خرم‌آبادی، ابولقاسم وافی یزدی، محسن فیض، سید جعفر حسینی یزدی، جواد حاتمی، مهدی مویدی، محمدعلی شرعی، محمد عبایی خراسانی، محمدرضا مویدی، عباس شیرازی رفسنجان، سید جواد موسوی، عبدالعلی معزی تهرانی، سید تقی موسوی درچه‌ای، لطفعلی فقیهی، محمد تقی نصیری سمنانی، محمد فاخر خراسانی، محمد باقر شریعتی سبزواری، محمد اشرفی اصفهانی، سید حسن شجاعی کیاسری، سید احمد موسوی اصفهانی، محمد حسین بنی‌پور، یحیی سلطانی اصفهانی، محمد مهدی غفاری تهرانی، حبیب‌الله مرزوقی شمیرانی، دین‌پرور، عباس مناقبی یزدی، علی اکبر ناطق‌نوری، محمد آقا رحیمی اصفهانی، سید حسن اسماعیلیان، فضل‌الله قاسمی، سید فخرالدین هاشمی، محمدرضا رحیمی، علی یزدانی، علیرضا احمدی، حسن حبیب‌اللهی، حسن صالحی، رضا مطلبی، مهدی تسلیمی، السید مجتبی

الموسوی الکاشانی، سید هادی هاشمی، سید محمود سجادی، محمد باقر منتظری، سید باقر موسوی، محمد جعفری رودسری، محمد رواق پور کرمانی، سید محمود هاشمی، علی اصغر طاهری کنی، خلیل صادقی، احمد توکلی، حسین کریمی، سید محمد مدنی، عبدالرسول شاهرخ، سید محمد کاظم ارفع، غلامحسین فلاح، حسین نبوی خویی، الاحقر سید جعفر کاظمی اصفهانی، حجت الله ساکی خرم آبادی، الاحقر سید محمد تقی کاظمی اصفهانی، ابوالقاسم جلالی، حجت الله قاسمی، محمد حسین غفاریان، سید علیرضا حسینی کجانی، غلامرضا ملایوسفی، الاحقر بزرگ کازرونی، سید محمد فقیه زاده، مطهری یزدی، عیسی خطیبی گیلانی، نورالله طباطبایی، سید علی متقی مازندرانی، عباس حسینی کرمانی، محمد محمودی توپسرکانی، محمد حسین املائی اصفهانی، محمد علی دهخدا کرمانی، سید ضیاء الدین نجم الهدی یزدی، محمد حسین زندی، مرتضی ربانی، عبدالحسین کرم اللهی خرم آبادی، سید محمد شاهرخ، محمد ابراهیم محمدی، محمد اسماعیل غائبی، محمد رهنما، حسین طالبی، فتحعلی صاحب الزمانی، اسدالله روح اللهی نجف آبادی، فتح الله امید، رسول پناهنده، محمد علی روحانی خراسانی، جابر صباری، جعفر حسینی، نصرالله صالحی، محمدرضا یاسینی، ضیاء الدین الحسینی الاشکوری، حسن تهرانی، قربانعلی ذوالقدری زنجان، هادی دولت مهدی، مهدی مهدوی، علی حسین جاهدی، حمید ارجمندی، سید ایوب، سید حسن، حیدر حمزه زاده، محمد تقی رضوانی، حسین ایمانی، علی عظیمی، رحیم داستانی، جواد حیدری خلخال، محمد واعظی، عبدالله واعظی، علی طاهری، حسن سلطان آبادی، موسی سلیمی میانجی، سید التفات میر صالحی ترکی، مظاهر نظری، خلیل سودمند، محمد مهدی حجتی میانجی، محمد علی ذوالقدری میانجی، الله وردی زیارتی، سید حسن حسینی، سید سلیمان میر رحمتی، سید سجاد چاوشی میانجی، محمد حسین یوسفی، سید حسن موسوی، سلمان واعظی میانجی، علی نصر ملازاده میانجی، سید جعفر عظیمی میانجی، سید اسماعیل برزندی، سید کمال الدین چاوشی، محمد امین بناورانی، صالح قدرتی میانجی، علی محمدی میانجی، قدرت الله اسکندری میانجی، عزت الله قاسمی میانجی، علی رشید خوانی میانجی، جواد عزیزی میانجی، عزیز رضانی، سید مختار عظیمی، اقل علی باقری، محمد جابری، عباس عباسی میانجی، ذکر علی اسلامی سرابی، سید احمد هاشمی میانجی، رحیمی میانجی، احمد خردمند سرابی، یونس ستاری میانجی، عبدالله شفیع، عبدالناصر قره چمنی، علی قره داغی، محبوب ابراهیم زاده، عبدالفیاض محمدی، کلام الله رضایی، الاحقر احمد بدای، محمد ذاکری، سید سجاد وحیدی، محمد محمدی میانجی، احمد موسوی میانجی، مرتضی اشراقی اصفهانی، علی حسین زاده تبریزی، صالح شکری میانجی، علی عظیمی میانجی، فیض الله رستمی میانجی، مرتضی مصطفایی، علی گمندی تبریزی، سید جعفر صالحی رضاییه، سید ابوالقاسم موسوی رضاییه، ضیاء الدین اجارودی، سید جلال صفوی تبریزی، سید عباس میرزاده اهری، حسینقلی برهانی سرابی، حسین پزشکی تبریزی، زین العابدین مجاهدی خویی، رضا واعظی تبریزی، عبدالله شاکری، عباس جباری ماکویی، سید علی حسین ماکویی، ابراهیم اسکندری، سید حیدر موسوی، حسن هاتفی خویی، هادی علی زاده، جعفر محمد زاده، سید علی اکبر مهرداد خویی، غلامحسین جعفرپور تبریزی، باقر آخوندی تبریزی، غلامحسین قدیمی، حسن امامی، سید محمد سیدی، عزت الله حکیمی، سید علی علوی، علی صادقی سرابی، حسین شفیع، احمد داود تبریزی، عبدالعلی حاتمی، عبدالجواد ملکی تبریزی، الاحقر مهدی جمال آبادی، سید جواد علوی، سید محمود نوری زاده مشکینی، علی اکبر شریفی اردبیلی، حسین احمدی، اسحاق حسین زاده تبریزی، اصغر عدل سرابی، محمد اسماعیل غفاری تبریزی.

**پیوست شماره ۱۱:** متن اعلامیه معظم‌له و آیت‌الله ربانی شیرازی درباره علمیت امام خمینی، مورخه خرداد ۱۳۴۹

بسم‌الله الرحمن الرحيم

مردم مسلمان ایران! ما ضمن تسلیت نسبت به درگذشت حضرت مستطاب آیت‌الله العظمی آقای حکیم‌قدس‌سره اعلام می‌داریم: در این لحظات حساس که جامعه ما بر سر دو راهی انتخاب و تثبیت وضع آینده قرار گرفته، لازم می‌دانیم بر حسب وظیفه دینی و تکلیف خطیری که به عهده داریم وظیفه مردم را به طور قاطع و روشن تعیین و ابلاغ نماییم.

موقعی که بزرگ مرجع تقلید شیعه مرحوم شیخ مرتضی انصاری به جوار قدس الهی رحلت کردند، مرحوم حجه‌الاسلام میرزای شیرازی بزرگان تلامذه شیخ را در مجلسی دعوت نموده و تذکر دادند که شیخ ما از جهان رفته و عالم اسلامی احتیاج به فردی دارد که در ده جزء یک جزء علم و نه جزء عقل و درایت دارا باشد تا بتواند احتیاجات جامعه را تشخیص دهد و با درایت کامل قیام به امر امت نماید. شاگردان شیخ که از علمای طراز اول و واجد صلاحیت مرجعیت بودند بالاتفاق ابراز داشتند که چنین شخصیتی با این اوصاف منحصر به شخص شماس‌ت و دیگری را چنین صلاحیتی نیست و با اتفاق کلمه مرحوم میرزای شیرازی را به زعامت مسلمین انتخاب نمودند و خدمات ارزنده آن مرحوم مروهون چنین فداکاری بود. امروز وضع جامعه بسی حساستر و اوضاع عالم اسلامی آشفته‌تر است و لزوم انتخاب فردی مدبر، روشن بین و واقف به مصالح اسلام و مسلمین شدیدتر و محسوس‌تر است. امروز جامعه ما در مرحله‌ای واقع شده که درست بر سر دو راهی عزت و ذلت، رشد و انحطاط و بالاخره بقاء و زوال است، و سرنوشت امت اسلام مروهون صفات و خصلتهای رهبری است که انتخاب گردد. امروز ما نباید خاموش و بی تفاوت بنشینیم تا دیگران به ما راه نشان دهند، ما نباید منتظر بمانیم تا دیگران فردی یا افرادی را که از رشد اجتماعی، شهامت، شجاعت و جهان بینی اسلامی بی بهره یا کم بهره‌اند بر ما تحمیل کنند، خود ما باید سرنوشت خود را تعیین نماییم و فردی را که لایق‌تر و اصلح به حال اسلام و مسلمین باشد، فردی که به اوضاع جهان و حوادث واقعه آشنایی کامل داشته باشد، فردی که بتواند اسلام واقعی را به مردم معرفی کند، فردی که در همه شئون اسلامی صاحب‌نظر باشد انتخاب نماییم.

حوزه علمیه قم با شناسایی کامل و بصیرت کافی که به وضع حوزه‌های علمیه و روحیه افراد داشته، با رعایت کامل مقررات دینی و دقت شدید در تشخیص صفات لازمه برای زعیم اسلامی، به کرات نظریه خود را پیرامون شخصیت بارز و بی‌نظیر مرجع عالم اسلام، حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی متع‌الله المسلمین بطول بقاءه بیان نموده و مراتب اتکاء و اعتماد خود را نسبت به ایشان ابراز داشته است، اینک مجدداً بالصراحه وظیفه عموم را روشن نموده، ابلاغ می‌دارد: با توجه به وضع روز و موقعیت خطیر مسلمانان، حضرت معظم‌له لایق‌ترین شخصیت برای رهبری و زعامت و شایسته تقلید و مراجعه عموم است، و مصداق اجلای حدیث مروی «اما من کان من الفقهاء، صائناً لنفسه، حافظاً لدینہ، مخالفاً لهواه، مطیعاً لامر مولاه، فللعوام ان یقلدوه» ایشان هستند. از این رو لازم است آن عده از مردمی که تا به حال از ایشان تقلید ننموده به اکثریت مردم ایران بپیوندند و از ایشان بدون هیچ گونه تردید تقلید نمایند، تا ان شاء الله با ایجاد یکپارچگی و وحدت کلمه در تعظیم اسلام و اعتلای مسلمین و دفع مفسد بکوشند. از خداوند متعال توفیقات ملت اسلامی را در راه پیشبرد اسلام عزیز خواهانیم. والسلام علیکم و رحمہ الله و برکاته.

حسینعلی منتظری - ربانی شیرازی

**(پیوست شماره ۱۲ داخل متن کتاب آمده است)**

**پیوست شماره ۱۳:** نامه معظم له به آیت الله خادمی در مورد مرجعیت امام خمینی،

۱۳۴۹/۳/۱۴ شمسی

بسمه تعالی

حضرت مستطاب آیت الله آقای خادمی دامت برکاته

پس از تقدیم سلام و عرض تسلیت نسبت به درگذشت حضرت آیت الله العظمی آقای حکیم قدس سره به عرض عالی می‌رساند، چون راجع به اوضاع اصفهان صحبت به میان آمد لازم شد به چند کلمه مصدع شوم:

بالحفاظ مراتب علمی و عملی حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی و مجاهدات پیگیر ایشان به نظر اینجانب معظم له برای مرجعیت شیعه متعین و تعیین و ترویج ایشان به صلاح اسلام و مسلمین می‌باشد. بجاست حضرت تعالی مصلحت اسلام را رعایت کرده و باکمال شهامت نسبت به تعیین ایشان اقدام فرمایید. در خاتمه از حضرت تعالی ملتمس دعا می‌باشم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

۲۹ ع ۱۳۹۰ - حسینعلی منتظری

**پیوست شماره ۱۴:** نامه معظم له به آیت الله اشرفی اصفهانی در مورد مرجعیت امام

خمینی، ۱۳۴۹/۳/۱۳

بسمه تعالی

حضرت مستطاب حجه الاسلام آقای حاج میرزا عطاء الله دامت افاضاته

پس از اهداء سلام و عرض تسلیت نسبت به درگذشت حضرت آیت الله العظمی آقای حکیم قدس سره به عرض می‌رساند نظر به اینکه راجع به اوضاع کرمانشاهان با آقا زاده حضرت تعالی صحبتی به میان آمد مناسب شد به چند کلمه مصدع شوم.

به عقیده اینجانب حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی برای مرجعیت شیعه متعین می‌باشند و در شرایط فعلی تعیین ایشان و ترویج از ایشان به صلاح اسلام و مسلمین می‌باشد، بجاست حضرت تعالی بدون تزلزل و با کمال شهامت نسبت به این وظیفه اسلامی اقدام فرمایید.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

۲۸ ع ۱۳۹۰ - حسینعلی منتظری

**پیوست شماره ۱۵:** پیام تسلیت امام خمینی به معظم له به مناسبت شهادت شهید

محمد منتظری، مورخه ۸ تیر ماه ۱۳۶۰

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت حجه الاسلام والمسلمین آقای منتظری دامت برکاته

گرچه تمام شهیدان عزیز و معظم یک شب از برادران ما و شما بودند و ملت قدرشناس

برای آنان به سوک نشستند و دشمنان اسلام در شهادت آنان شاد و اسلام عزیز سرافراز است، لکن از فرزند عزیز شما شناختی دارم که باید به شما با تربیت چنین فرزندی تبریک بگویم. او از وقتی که خود را شناخت و در جامعه وارد شد ارزشهای اسلامی را نیز شناخت و با تعهد و انگیزه حساب شده وارد میدان مبارزه علیه ستمگران گردید. او با دید وسیعی که داشت سعی در گسترش مکتب و پرورش اشخاص فداکار می نمود. محمد شما و ما خود را وقف هدف و برای پیشبرد آن سر از پا نمی شناخت. شما فرزندی فداکار و متعهد و متفکر و هدف دار تسلیم جامعه کردید و تقدیم خداوند متعال. او فرزند اسلام و فرزند قرآن بود. او در زجرها و شکنجه ها و از آن بدتر شکنجه های روحی از طرف بدخواهان عمری به سر برد. او به جوار خداوند متعال شتافت و بادوستان و برادران خود راه حق را طی کرد. خدایش رحمت کند و با موالیانش محشور فرماید. از خداوند متعال برای جنابعالی و بازماندگان آن فرزند برومند اسلام صبر و اجر خواهانم.

والسلام علیکم و رحمه الله  
روح الله الموسوی الخمینی

### پیوست شماره ۱۶: جواب معظم له در پاسخ به پیام تسلیت امام خمینی

بسمه تعالی

محضر مبارک مرجع بزرگ انقلاب آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی بعد از سلام، پیام روح آفرین و تسلی بخش آن حضرت را شنیدم. ضمن تشکر و تبریک و تسلیت متقابل، از این که خدای متعال توفیق عطا فرمود و توانستم فرزندی با آن ویژگیهایی که حضرت تعالی اشاره فرمودید تقدیم خدای منان کنم بسیار مفتخر و خوشوقتم. گرچه من امید داشتم که در آینده خدمت بیشتری به انقلاب عظیم اسلامی که عمر خود را در آن صرف نمود بنمایم و حاکمیت اسلام در تمام جهان مستضعفین و محرومین را که به آن عشق می ورزید و محور تمام تلاش او بود، از نزدیک ببینم ولی لابد تقدیر الهی و مصلحت چنین بود که خون پاک او و سایر همسنگران و همزمان عزیزش، رسیدن به آن هدف بزرگ را سرعت بخشد. شاید دشمنان اسلام که به دست گروههای وابسته چنین فاجعه ای را به وجود آوردند و عده ای از ابرار و شخصیتهای موثر در انقلاب را از جامعه انقلابی ما گرفتند خیال کنند که خلئی را در ادامه و گسترش انقلاب بوجود آورده اند، ولی باید بدانند که این شجره طیبه که به دست توانای پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام در بستر تاریخ بشریت غرس شده و تا کنون با خونهای مقدس آبیاری گردیده و اکنون رسالت حفظ و بارور نمودن این امانت بزرگ الهی به دست باکفایت رهبر عظیم الشان اسلام سپرده شد، اصلها ثابت و فرعها فی السماء، و هرگز از باروری در سخت ترین شرایط نمی ایستد.

دشمنان خدا و مردم نمی توانند خلاقیت و تاثیرات معنوی خون شهید و برکات وجود حضرت تعالی را درک نمایند. من مطمئنم امت قهرمان و بیدار ما در پرتو رهبریهای صحیح حضرت تعالی و پشتیبانی روحانیت متعهد این بار سنگین را به منزل اصلی می رساند و هرگز چنین کارهای کور و بی هدف تأثیری در تصمیم قاطع آنان نداشته و ندارد. از خدای بزرگ علو درجات معنوی برای تمام شهدای عزیز اسلام و صبر و اجر عظیم برای بازماندگان و خانواده های محترم آنان مسئلت دارم.

ادام الله ظلکم علی رؤس المسلمین

۶۰/۴/۹ - حسینعلی منتظری

## (پیوست شماره ۱۷ داخل متن کتاب آمده است)

**پیوست شماره ۱۸:** اجازه نامه امام خمینی به معظم له در مورد اخذ وجوه شرعیه و وکالت تامه ایشان در امور شرعیه

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين والصلوه والسلام على محمد وآله الطاهرين  
 و لعنه الله على اعدائهم اجمعين  
 و بعد، جناب مستطاب عماد العلماء الاعلام و حجه الاسلام آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری  
 دامت افاضاته وکیل اینجانب می باشند در اخذ وجوه شرعیه از قبیل سهم مبارک امام علیه السلام و  
 سهم سادات عظام و مجهول المالک و غیرها.  
 کسانی که می خواهند وجوه شرعیه خود را به اینجانب برسانند به وسیله ایشان بفرستند، اخذ  
 ایشان و قبض رسید ایشان به منزله اخذ و قبض رسید اینجانب است، و نیز وکیل هستند در  
 دستگردان نمودن وجوه شرعیه و امهال به قدری که صلاح دانستند و اخذ.  
 و اوصیه ایده الله تعالی بما اوصی به السلف الصالح من ملازمه التقوی والتجنب عن الهوی  
 والتمسک بعروه الاحتیاط فی الدین والدنیا و ارجومن جنابه الدعاء والنصیحه والسلام علیه و علی  
 عبادالله الصالحین و رحمه الله و برکاته.  
 به تاریخ لیله ۱۱ شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۹۰  
 روح الله الموسوی الخمينی

**پیوست شماره ۱۹:** اجازه نامه آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی شیرازی به  
 معظم له

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين والصلوه والسلام على خير خلقه محمد وآله الطيبين الطاهرين و لعنه الله  
 على اعدائهم اجمعين من الان الى قيام يوم الدين.  
 و بعد، جناب مستطاب مروج الاحكام و ثقه الاسلام آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری دامت افاضاته از  
 جانب حقیر مجاز و ماذون می باشد در تصدی امور حسبیه که در زمان غیبت منوط به اذن فقیه  
 است و در اخذ وجوه شرعیه از قبیل زکوات و مجهول المالک و مظالم مردوده و غیرها و صرف آنها  
 در موارد مقرر و کذلک مجاز و ماذون هستند در اخذ سهم مبارک امام علیه الصلوه والسلام که  
 به مقدار احتیاج صرف امور طلاب علوم دینی و مواردی که موجب تقویت اسلام است بنمایند و  
 چنانچه مازادی باشد بفرستند نزد اینجانب برای ادامه و اقامه حوزه های مهمه علمیه و البته  
 رعایت احتیاط در کلیه امور خواهند نمود. والمرجو ان لاینسانی من صالح دعواته کما لانساه  
 انشاء الله تعالی، والسلام علیه و علی اخواننا المومنین و رحمه الله و برکاته.  
 مورخه نوزدهم شهر شوال المکرم ۱۳۷۵ - حسین الطباطبائی

بسمه تعالی شانه

جنابعالی در امور مزبوره فوق به همان نحو که از ناحیه مرحوم آیت الله فقید قدس سره الشریف مجاز بودید از قبل احقر نیز مجازید، و لدی الاقتضاء در اجازه دادن به طلاب متدینین حوزه علمیه نجف آباد دامت توفیقاتهم نیز مجازید. والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ.  
۱۲ ذق ۱۳۸۰ - الاقل عبدالهادی الحسینی الشیرازی

### پیوست شماره ۲۰: اجازه نامه آیت الله العظمی حکیم به معظم له

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين  
واللعن الدائم على اعدائهم اجمعين  
و بعد، جناب مستطاب ملاذ الانام حجه الاسلام آقای آقا شیخ حسینعلی منتظری دامت برکاتہ که از مفاخر فضلاء و اجله علماء میباشند از قبل اینجانب مجاز هستند در تصدی به امور حسبیه که تصدی به آنها در زمان غیبه ولی امر عجل الله تعالی فرجه الشریف منوط به اذن حاکم شرع اقدس و فقیه جامع الشرائط است و نیز مجاز می باشند در اخذ و قبض حقوق منطبقه و سهم مبارک امام علیه السلام و صرف تا نصف از آنها در محل بر علماء و طلاب علوم دینی و امور معاشیه خود علی النحو المتعارف و باقی را برای اینجانب به نجف اشرف ایصال تا در حفظ و اقامه حوزه های علمیه به مصرف برسد، و بر اخوان مومنین لازم است از وجود شریف جناب معظم بهره مند شوند و از احترامات لائقه به مقام ایشان کوتاهی ننمایند. و اوصیه بملازمه التقوی و الاحتیاط فی جمیع امور و ان لاینسانی من صالح دعواته کما لا انساه ان شاء الله.  
۱۵ حج ۱۳۸۰ - محسن الطباطبائی الحکیم

### پیوست شماره ۲۱: اجازه نامه آیت الله العظمی شاهرودی به معظم له

بسم الله الرحمن الرحيم  
و الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف بريته محمد و آله الطيبين الطاهرين و لعنه الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين.  
و بعد، مخفی نماند که جناب مستطاب علم الاعلام ملاذ الانام حجه الاسلام آقای شیخ حسینعلی منتظری نجف آبادی دامت برکاتہ از مفاخر فضلاء کرام و اجله علماء اعلام می باشند و از جانب احقر مجازند در امور حسبیه که منوط به اذن فقیه است در زمان غیبت - علی مغیبتها آلاف التحیه و الثناء - تصرف نمایند و نیز مجازند سهم مبارک امام علیه السلام را اخذ نموده تتمیم معاش خود کنند و به مصرف طلاب و سایر جهاتی که مربوط به اعلاء کلمه اسلام است برسانند و مازاد را به اینجانب ایصال نمایند. و اوصیه ایده الله برعایه الاحتیاط الذی هو طریق النجاه و ان لاینسانی من صالح الدعوات فی الحیوه و بعد الممات. والسلام علیه و علی اخوانی المومنین و رحمہ اللہ و برکاتہ.  
محمود الحسینی الشاهرودی

## (پیوست شماره ۲۲ داخل متن کتاب آمده است)

**پیوست شماره ۲۳:** لایحه دفاعیه معظم له نسبت به رای کمیسیون امنیت اجتماعی قم

دائر بر اقامت اجباری به مدت سه سال در شهرستان طبس، مورخه ۱۳۵۲/۱۰/۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم

دادگاه محترم شعبه ۱۵ دادگاههای استان مرکز (تهران) (راجع به پرونده شماره ۷۴۴/۵۲) در تعقیب اعتراضات سابقه مورخه ۵۲/۵/۳۰ و ۵۲/۶/۱۸ نسبت به رای کمیسیون امنیت اجتماعی شهرستان قم مبنی بر اقامت اجباری اینجانب حسینعلی منتظری نجفآبادی دارنده شناسنامه شماره ۷۵۸۳ صادره نجفآباد اصفهان به مدت سه سال در شهرستان طبس، پس از اعتذار از عدم حضور به علت بعد مسافت و بدی راه و کمبود وسائط نقلیه و گرفتاریهای خانوادگی و ضعف مزاج و سرمای زمستان و ابهام نتیجه حضور و نداشتن محل مناسبی برای ورود که بعداً مورد عتاب مقامات نشود (چنانچه سابقاً شده است) و علل اخیری بطول ذکرها. و پس از گله از عدم توجه قضات محترم به جمله (فورا خارج از نوبت) در ماده ۴ قانون و تاخیر رسیدگی تا این تاریخ.

و پس از تذکر به اینکه اولاً خدا را شاهد و ناظر بدانید و دین و وجدان خودتان را حکم قرار دهید (واتقوا یوما لاتجزی نفس عن نفس شیئاً ولا یقبل منها شفاعه و لایؤخذ منها عدل و لاهم ینصرون. سوره بقره، ۴۸) و ثانیاً حیثیت مقام قضائی و استقلال آن را در نظر داشته باشید سعی کنید قوه مجریه طمع در تسخیر قوه قضائیه نکند و آبروی قوه قضائیه محفوظ بماند.

پس از این تذکرات به عرض می‌رساند:

۱ - با اینکه اینجانب یکی از مدرسین دروس عالییه حوزه علمیه قم بودم و حدود چهار صد نفر به درس من حاضر می‌شدند و متجاوز از سی سال است که در قم ساکن می‌باشم معذک حدود یک سال و نیم بود که تحت فشار ساواک و شهربانی قم (بدون ارائه دلیل و با تهدید به اینکه اگر از قم نروم تو را تبعید می‌کنیم) عملاً از اقامت در قم محروم بودم و فقط چون خانواده و منزل من در قم بودند از روی ناچاری گاهگاهی یک شب دو شبی برای رسیدگی به اوضاع آنها به قم می‌آمدم و از منزل هم بیرون نمی‌رفتم تا اینکه در اواخر خرداد ماه جاری یعنی برج ۳ از تهران به قصد نجفآباد حرکت و رسماً با خانواده به نجفآباد منتقل و در آنجا به تدریس و اقامه جماعت اشتغال داشتم و ابداً از آنجا مسافرت نکردم، هر روز حدود شصت نفر به درس من حاضر می‌شدند و هر شب حدود هزار نفر در مسجد جامع نجفآباد به جماعت من حاضر می‌شدند و هر روز جمعه حدود سه هزار نفر به نماز جمعه من حضور می‌یافتند - بعلاوه مامورین شهربانی نجفآباد من و منزل مرا در نجفآباد دائماً زیر نظر داشتند، پس بودن من در نجفآباد امری است واضح و آشکار - بعلاوه گذشته از مقامات شهربانی و امنیتی نجفآباد و اصفهان، خود مقامات شهربانی و امنیتی شهرستان قم هم از نبودن من در قم مطلعند مگر اینکه بخواهند عمداً سهو کنند، و تحقیق در این امر برای دادگاه کاری است آسان و چنانچه باز تردیدی باشد به خود من محول شود تا به نجفآباد بروم و شواهد آن را جمع آوری و ارائه دهم - بنابراین آیاتعجب آور نیست که کمیسیون امنیت اجتماعی قم در روز ۵۲/۵/۲۲ نسبت به من که در نجفآباد بوده‌ام سرا و بدون اطلاع اینجانب رای صادر کند و سپس به شهربانی اصفهان دستور بدهند به معیت شهربانی نجفآباد مرا از منزل نجفآباد بازداشت و مستقیماً به قم بیاورند و در شهربانی قم ورقه ارائه دهند بی امضا و بدون ذکر دلیل دائر بر اینکه تو از طرف کمیسیون امنیت اجتماعی قم محکوم به سه سال اقامت اجباری در



طیس می‌باشی- یاللعجب من مدتها در قم نباشم ولی کمیسیون امنیت اجتماعی قم مرا مشمول بند (الف) یا بند (ب) ماده ۲ قانون امنیت اجتماعی بداند، مگر اینکه وجود مثالی یا به اصطلاح بعضیها وجود هورقلیائی من به نحو اعجاز در قم منشا آثاری بوده است و من نمی‌دانسته‌ام!!

۲- پرونده تنظیم شده هر چند مفصلا به نظر من نرسیده است ولی آنچه به نحو استراق بصر از پرونده در قم به چشم من خورد حاکی بود از اینکه جانشین ریاست سازمان اطلاعات و امنیت قم در کمیسیون تشکیل شده در فرمانداری قم جریان کشته شدن پاسبانی را در قم در روز ۵۲/۴/۲۷ به دست سه نفر از اهل نهانند مطرح کرده و بعدا می‌گوید: «عده‌ای از طلاب که اسامی آنان ذیلا درج می‌شود در اینگونه ماجراها دست داشته‌اند به نحوی که ادامه حضورشان در شهرستان قم موجب سلب آسایش اهالی و ایجاد مزاحمت برای ۱۱ هزار نفر طلابی است که برای تحصیل علم و کسب معارف اسلامی به قم آمده‌اند.»

اولا به قول ایشان در روز ۵۲/۴/۲۷ یک پاسبان در بازار قم به دست چند نفر نهانندی کشته شده چه ربطی به من دارد که نه تا حال نهانندرفته‌ام نه پاسبان را می‌شناسم و نه نهانندیها را و نه در آن تاریخ در قم بوده‌ام - گنه کرد در هند آهنگری به شوشتر بریدند سر مسگری - جای شکرش باقی است که خود آقای جانشین ریاست سازمان قم گفته است در اینگونه ماجراها- و نه گفته است در این ماجرا.

ثانیا خیلی تعجب است که ایشان دایه مهربانتر از مادر شده‌اند. من یکی از مدرسین دروس عالی حوزه علمیه قم هستم و بیش از نیمی از فضلا قم، چه رسد به طلاب سالهای متوالی به درس من حاضر می‌شدند، به فکر تحصیل طلاب و کسب معارف اسلامی ایشان نیستم ولی آقای جانشین ریاست سازمان قم دلسوز طلاب علوم دینی شده‌اند و حتی آمار حوزه علمیه قم را هم به طور دقیق ۱۱ هزار نفر قلمداد کرده‌اند!!

خوب است آقایان قضات تحقیق کنند: آقایانی را که ایشان به نام عده‌ای از طلاب مورد اتهام قرار داده‌اند اغلب آنان از مدرسین معروف حوزه علمیه قم می‌باشند و عمده دروس حوزه علمیه قم را آقایان اداره می‌کردند.

ثالثا لازم است دادگاه محترم از افراد کمیسیون امنیت اجتماعی قم از قبیل فرماندار و رئیس شهربانی و غیره... و یا از آقای استاندار مرکز بپرسند که اصلا آنان را تا حال رویت کرده‌اند یا می‌شناسند و به خصوصیات و روحیات من و سایر آقایان آشنایی دارند که چنین رایی را امضا کرده‌اند یا اینکه به محض اینکه جانشین ریاست سازمان امنیت قم موضوعی را طرح و صورتی تنظیم شد فوراً آقایان آن را وحی منزل دانسته هر کدام یک خط به نام امضا زیر آن کشیده‌اند بدون اینکه فکر کنند چه آثار شومی بر این امضات نامیمون مرتب می‌شود. جالب توجه اینکه همین آقایانی که «محض جلب رضایت بالاترها» برای اشخاص پرونده‌سازی می‌کنند و بی‌جهت مزاحم اشخاص می‌شوند از خدا و قیامت و حساب و کتاب هم دم می‌زنند!!

۳- مطابق اصل ۲۸ متمم قانون اساسی قوای ثلاثه مملکت همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود - بنابراین اساسا قانون امنیت اجتماعی برخلاف اصول مشروطیت است و اعتبار ندارد، زیرا در آن به کمیسیونی حق رای و حکم داده شده که اکثریت قاطع آن را قوای مجریه تشکیل می‌دهد. واقعا جای تعجب است که کمیسیون خودش بدون احضار طرف حکم صادر کند و سپس طرف را جلب و بدون ارائه دلیل و پرونده تنظیم شده خودش حکم خودش را اجرا نماید- و حتی با اینکه در متن قانون ذکر شده است که محکومین به اقامت اجباری بدون مستحفظ به نقطه تعیین شده بروند «ماده ۱۶ قانون مجازات عمومی که در ماده ۵۳ قانون امنیت اجتماعی به آن احاله شده» طرف را باچند ژاندارم با کمال شدت عمل به محل اقامت اجباری تعیین شده ببرند.

۴- مطابق اصل ۷۸ متمم قانون اساسی احکام صادره باید مدلل و موجه باشد - لابد مقصود مدلل بودن در عالم مثال و یا به اصطلاح فلاسفه با عالم عقول و نفوس کلیه نیست- بلکه مقصود

این است که حکم با دلیل به طرف ابلاغ شود تا اینکه طرف به جرم خود واقف شود، پس چرادر حین توقیف اینجانب از نجف آباد و پس از آوردن به شهربانی قم و فرستادن به طبس با آن شدت عملهای معموله نه پرونده به من نشان دادند و نه علت توقیف و بازداشت و توابع آن را، البته روزگاری از ناحیه من در قم انتقاداتی موجه از کارهای دولت دربین بوده است که به حق یانا حق «البته نا حق بوده است» مرا بازداشت و زندانی کردند و سپس هم محاکمه و محکوم نمودند، ولی مطالب سابق که مجازات آن هم تمام شده چه ربطی به حال دارد که اولاً من در قم نبوده‌ام و ثانیاً مطلب تازه از ناحیه من در بین نبوده است.

۵- اصف الی جمیع ذلک اینکه چون اصل دوم متمم قانون اساسی «که برحسب تصریح متن آن تا ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تغییر پذیر نخواهد بود» در قوانین جاریه رعایت نشده، پس هیچکدام از آنها ارزش قانونی ندارند و برخلاف اصول مشروطیت ایران می‌باشند. فیا الهی رضا بقضائک و تسلیم لامرک و الیک المشتکی.

والسلام علی من اتبع الهدی و رحمه الله و برکاته

دهم دی ماه ۱۳۵۲ - شهرستان طبس - حسینعلی منتظری

### پیوست شماره ۲۴: اعلامیه معظم له از تبعیدگاه طبس مبنی بر هوشیاری و حفظ

وحدت خطاب به علما و مراجع معظم تقلید، مورخه ۱۳۵۲/۷/۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و عليه التكلان

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين، قال الله تعالى في كتابه الكريم: يا ايها الذين آمنوا ادخلوا في السلم كافة ولا تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين (بقره ۲۰۸).

واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا- ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جائهم البينات و اولئك لهم عذاب عظيم (آل عمران ۱۰۵-۱۰۳).

و اطيعوا الله و رسوله و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم و اصبروا ان الله مع الصابرين (انفال ۴۶).

و بعد برحسب ضرورت فقه شیعه امامیه و اخبار ماثوره از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین علمای عدول و شایسته که هم عالم به احکام و هم حادثه شناس و آشنا به زمان خود باشند در عصر غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جانشینان پیغمبر اکرم (ص) و مرجع حوادث و مجری احکام الهیه می‌باشند و موظفند که با تفاهم و شوراز اسلام و مسلمین دفاع کنند و مصالح کلیه آنان را زیر نظر بگیرند و با همبستگی کامل علیه مخالفین اسلام (که بلاد مسلمین و همه شئون آنان را ملعبه و بازیچه خود قرار داده‌اند) مبارزه نمایند، و بر همه طبقات از مسلمین نیز لازم است که آنان را در انجام این وظیفه سنگین حمایت کنند، ولی متاسفانه عدم توجه به یک سنخ مسائل اجتماعی از طرفی و تحریکات دشمنان و استعمارگران از طرف دیگر این نیروی عظیم را تقریباً از خاصیت و اثر انداخته است.

من برحسب وظیفه از این شهرستان دور افتاده از آیات عظام و علمای اعلام استدعا می‌کنم و به فضیلت کرام و طلاب محترم تذکر می‌دهم که به خود آیند و متوجه شوند که دشمنان و استعمارگران با چه دسائس و لطائف الحیلی ما را به خود مشغول کرده‌اند - این نیروی عظیم که در صورت اتفاق کلمه مورد حمایت اکثریت قاطع ملت است به جای اینکه در مقابل دشمنان جبهه‌گیری نماید در اثر تحریکات غیرمستقیم به مصرف تضعیف و بی‌خاصیت کردن خود می‌رسد- هر روز شایعه سازان خارجی و داخلی مساله تازه‌ای را طرح و مطالب دروغی را بر

سر زبانها می‌اندازند و اتهاماتی را نسبت به افرادی وارد می‌نمایند، و سپس در داخل حوزه‌ها کارمنازعه و مشاجره و لعن و طرد گاهی به زد و خورد منجر می‌شود، چنانچه اخیراً در قم و تهران و مشهد و اصفهان و برخی نقاط دیگر اتهام‌سنی‌گری و وهاب‌نگری نسبت به عده‌ای از علما و فضلاء بی‌گناه بر سر زبانها افتاده و کار به جایی رسیده است که حتی دایه‌های مهربانتر از مادر هم گاهی به اسم دفاع از ولایت و تشیع حرفهائی می‌زنند و کارهائی انجام می‌دهند! آیا آقایان توجه ندارند که مذهب وهابیت مذهب کثیفی است که مبدع آن محمد بن عبدالوهاب در نجد بوده و عقائد چرندی دارد که حتی اکثریت قاطع اهل سنت هم از آن عقائد بیزارند و فقط حکومت حجاز که پایگاه آن در نجد است از آن حمایت می‌کند؟ آیا چگونه ممکن است مذهبی که حتی اکثریت اهل سنت از آن بیزارند موردعلاقه دانشمندان و فضلاء شیعه واقع شود؟ البته ممکن است از بعضی افراد در برخی مسائل اشتباهاتی واقع شود (چنانچه از اغلب علما در جمیع اعصار چنین اشتباهاتی رخ داده) ولی آیا ما باید به این بهانه عده زیادی را متهم کنیم و تمام نیروی خود را صرف خرد کردن آنها بنمائیم و قهراً جنگ داخلی شروع شود و در بین طبقات مردم نیز تحیر و اختلاف و حس بدبینی ایجاد کنیم؟! خوب است آقایان محترم احتمال بدهند که در بین حاشیه نشینان و مراجعین آنان حتی اخص خواص و اقرب اقارب، افراد ساده و جاهل نیز وجود دارند و همچنین افراد مغرض و مرموزی که یا از جاهائی تحریک می‌شوند و یا نسبت به اشخاص عقده دارند و می‌خواهند بدین وسیله عقده‌های خود را جبران کنند. جای تاسف است که بعضی از آقایان محترم در داخل منزل نشسته و خبر ندارند که به اتکای پول یا نوشته آنان چه افرادی در چه منطقه‌هائی چه جنایاتی به اسم دفاع از دین و ولایت انجام می‌دهند. «اللهم فان كانوا اهلا للهدایه فاهدهم و الا فاخذلهم كما یخذلون الدین باسم الدین» در نهج البلاغه (خطبه ۱۴۱) چنین وارد شده: «ایها الناس من عرف من اخیه وثیقه دین و سداد طریق فلا یسمعن فیه اقاویل الرجال اما انه قد یرمی الرامی و تخطی السهام و یحیک الکلام و باطل ذلک بیور والله سمیع شهید. اما انه لیس بین الحق و الباطل الا اربع اصابع. فسل علیہ السلام عن معنی قوله هذا، فجمع اصابعه و وضعها بین اذنه و عینه ثم قال: الباطل ان تقول سمعت و الحق ان تقول رایت».

آری چه بسا در برداشت و فهم کلمات ائمه اطهار (ع) و مسائل اسلامی در بعضی موارد اختلاف نظر هائی وجود داشته باشد و سنخ درک افراد متفاوت باشد ولی این موضوع نباید موجب لعن و طرد و نزاع گردد، از خود آیه شریفه «ولاتنازعوا فتفشلوا» استفاده می‌شود که منشا نزاع (اختلاف نظر) قهراً وجود دارد و الا سالبه به انتفاء موضوع می‌شود - فرق است بین اختلاف نظر و بین نزاع و تشاجر، و راه صحیح در صورت اختلاف نظر بحث علمی است نه نزاع و لعن و شتم و دسته بندیها و زد و خوردهای بچه‌گانه - در کتاب ایمان و کفر اصول کافی بابی منعقد شده به نام «باب درجات الایمان»، از اخبار این باب و باب بعد استفاده می‌شود که اختلاف برداشت و درک اشخاص در مسائل نباید موجب تبری و بیزاری شود. ضمناً یادآور می‌شود که اگر کسی گفت: «ما شیعه امامیه با اینکه با اهل سنت راجع به مساله امامت و خلافت اختلاف نظر داریم ولی در شرائط فعلی که مسلمین گرفتار کفار و یهود می‌باشند لازم است همه مسلمین از شیعه و سنی با هم در مبارزه علیه کفار متحد شوند» ماحق نداریم گوینده این جمله را به سنی‌گری متهم کنیم، و معنای این جمله هم این نیست که ما شیعه باید از عقائد خود نسبت به ائمه اطهار (ع) و امامت آنان و وظائف تشیع دست برداریم، بلکه منظور همبستگی عملی در مبارزه با کفار است، اصولاً اهل سنت که سهل است چه بسا کفار و اهل کتاب نیز اگر فرضاً با مسلمین سر جنگ نداشته باشند و بلاد اسلامی را تصرف نکرده باشند و به مصالح مسلمین نیز لطمه وارد نکنند بر طبق دستور قرآن شریف مسلمین مجازند نسبت به آنان به نیکی رفتار نمایند.

«لاینهاکم الله عن الدین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا

اليهم، ان الله يحب المقسطين» (ممتحنه ۸)، اللهم اشهد اني لم ابادر الي كتابه هذه الصحيفه المختصره الا للعمل بالوظيفه الشرعيه و لاداء بعض الحقوق ممن وجب حقه علي من العلماء، العظام و الاصدقاء الكرام حفظني الله و اياهم من الشرور و الاثام و الي الجميع اهدى التحيه والسلام.

پنجم رمضان المبارک ۱۳۹۳، شهرستان طبس، حسینعلی منتظری نجف آبادی

### (پیوستهای شماره ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ داخل متن کتاب آمده است)

**پیوست شماره ۲۸:** اقدام مرحوم آیت الله العظمی حکیم جهت استخلاص معظم له و آیت الله ربانی شیرازی از زندان، مورخه ششم جمادی الثانی ۱۳۸۶ ه. ق

بسمه تعالی

جناب مستطاب ثقه الاسلام والمسلمین آقای سید جمال الدین صهری پس از ابلاغ سلام و استعلام از حالات شریف بر مرقومه که آقایان علما و طلاب حوزه علمیه اصفهان امضا نموده اند اطلاع حاصل از گرفتاری آقای منتظری و آقای ربانی تذکر داده بودید، روزی که خبر محبوس شدن ایشان و دیگر آقایان شنیده شد موجب ناراحتی و تأثر شدید گشته و آقای سفیر کبیر را طلبیده و درباره افراج از کلیه آقایان مذاکرات اکیده نمودم و قول دادند که به تهران حرکت و با مقامات مربوطه صحبت نمایند و تاکنون به عراق مراجعت ننموده اند و نامه در این خصوص نیز به حضرت آیت الله آشتیانی نوشته که ایشان هم با مسئولین مذاکره فرمایند و به هر نحوی هست آقایان را مستخلص کنند و از اقدامات خود مضایقه نداشته و ندارم و ان شاء الله تعالی با توجهات حضرت ولی عصر ارواحنا فداه اقدامات منتج خواهد شد و از ادعیه خود فراموشم نفرمایید

کما لا انساکم.

والسلام علیکم و رحمہ الله

مورخه ۶ ج ۲ ۱۳۸۶

الطباطبایی الحکیم

**پیوست شماره ۲۹:** متن نامه معظم له و آیت الله ربانی شیرازی از زندان قزل قلعه به آیات عظام و مسئولین قضایی کشور، مورخه ۱۶/۶/۱۳۴۵

بسم الله الرحمن الرحيم

بازداشتگاه قزل قلعه

تیمسار دادستان ارتش

رونوشت: اداره دادرسی ارتش

رونوشت: دیوانعالی کشور

رونوشت: نیویورک، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد

رونوشت: حضور مقدس مراجع عظام و حضرات آیات الله و حجج اسلام:

نجف: آقای حکیم، آقای خمینی، آقای شاهرودی، آقای خویی، آقای طاهری (آقا سید عبدالله

طاهری شیرازی)

کربلا: آقای سید محمد شیرازی

قم: آقای گلپایگانی، آقای شریعتمداری، آقای نجفی

تهران: آقای خوانساری، آقای آشتیانی، آقای آملی، آقای سعید، آقای فلسفی

مشهد: آقای میلانی، آقای قمی شیراز: آقای محلاتی، آقای دستغیب

اهواز: آقای بهبهانی، آقای علم‌الهدی آبادان: آقای قائمی

همدان: آقای معصومی، آقای بنی‌صدر اصفهان: آقای ارباب، آقای خادمی

رشت: آقای ضیابری، آقای بحر العلوم سوادکوه: آقای کوهستانی

کرمان: آقای صالحی یزد: آقای صدوقی

تبریز: آقای قاضی کرمانشاه: آقای جلیلی، متع‌الله المسلمین بطول بقائهم

حدود شش ماه است که در بازداشتگاه قزل‌قلعه با تضيیقات شدید که تناسب با یک زندان سیاسی ندارد و به هیچ‌وجه با شئون روحانیت تطبیق نمی‌کند بازداشت می‌باشیم، با اینکه تقریباً بیش از سه ماه است اجازه ملاقات با خانواده را داده‌اند و این امر حاکی از رفع بیم تبانی است، مع‌ذکب بر خلاف قانون به منظور ادامه تضيیقات و ادامه ناراحتی ما را در زندان انفرادی نگه داشته‌اند.

روز اول و دوم فروردین ماه سال جاری شهر قم شاهد جریان شگفت‌آور و تاسف‌بار بود، جریانی که از روی خلافت‌کارها و قانون شکنی‌های مامورین آن در تمام مراحل بازجویی پرده برمی‌دارد.

چنانچه در مورد اینجانب حسینعلی منتظری و فرزندم محمدعلی منتظری که از محصلین حوزه علمیه قم است نه تنها بدون مجوز رسمی و به بهانه پوچ بازداشت صورت گرفت، بلکه ضمن بازرسی خانه که در غیاب من انجام شد بر خلاف قانون تعدادی کتب علمی و دینی را ضبط و از وجوه شرعی‌ای که اخیراً رسیده بود و مورد مصرف برای طلاب و سادات روی پاکت مشخص شده بود صورت برداری و سپس آن را نیز ضبط کردند و تا به حال در نزد آنها باقی است. در مراحل بازجویی نیز از هیچ‌گونه اهانت نسبت به مراجع بزرگ روحانیت شیعه و ضرب و شکنجه و فحش‌هایی که موجب حد شرعی است نسبت به اینجانب و فرزندم خودداری نشد، چنانچه هنوز آثار صدمات جسمانی ناشی از شکنجه‌های متوالی در فرزندم باقی است.

و در مورد اینجانب ربانی شیرازی بازداشت بدون احضار رسمی و مجوز قانونی صورت گرفت و علی‌رغم تذکر قبلی اینجانب در مورد بیماری خانواده و مخاطره جانی برای ایشان و بچه‌اش حدود ده نفر از مامورین سازمان امنیت و شهربانی و آگاهی به خانه من حمله ور شدند و به شیوه‌ای عمل کردند که موجب اتلاف بچه من و بیماری ممتد خانواده در اثر هراس گردید، مامورین که معلوم نبود به چه منظور منزل را محاصره و مورد بازرسی قرار داده‌اند، پس از کنجکاوی دقیق و نیافتن مدارک جرمی، بر خلاف قانون، مقداری کتب دینی و حقوقی جمع و ضبط نمودند. پس از انتقال به قزل‌قلعه در مراحل بازجویی‌های ممتد و طولانی که بعضی جلسات آن تا حدود ساعت ۱۱ شب به طول انجامید، بازجوها از حدود نزاکت خارج و سعی می‌نمودند با ارباب و تهدید مطالبی را به نفع دستگاه از اینجانب اقرار بگیرند، ولی با کارگر نیفتادن این‌روش غیرقانونی سعی نمودند با سئوالات مکرر و بیجا پرونده ضخیمی درست نمایند.

توضیح آنکه فکر اصلاح برنامه‌های تدریس حوزه علمیه قم و امور تبلیغاتی و نشر کتب مفیده دینی از ۲۰ سال پیش در بین عده‌ای از فضلا و اساتید حوزه علمیه قم وجود داشت و بارها بدین منظور جلساتی تشکیل داده و از مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی تقاضای اقدام و مساعدت می‌کردند، در تعقیب این هدف حدود ۳ سال پیش عده‌ای از اساتید و فضلاء حوزه علمیه جلساتی به منظور مشورت برای انجام اصلاحات فوق تشکیل دادند که متأسفانه مانند جلسات قبلی بدون اخذ نتیجه تعطیل گردید. اینک سازمان امنیت برای کوبیدن عده‌ای که از روش ضد دینی و قانونی دولتها و تبعید حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی انتقاد می‌نمودند، پس از

گذشت ۳ سال این جلسات را دستاویز کرده و آن را سیاسی تلقی نموده و شروع به پرونده‌سازی کرده است.

در عرض مدت زندانی بودن اینجانبان و سایر رفقا، سازمان که خود را مواجه با اعتراض و ناراضیاتی جامعه محترم روحانیت به ویژه مراجع عظام متع الله المسلمین بطول بقائهم و سایر اصناف مردم می‌دید، با وعده‌های دروغی و اینکه آقایان به زودی آزاد می‌شوند در اسکات آنان کوشید، ولی با توجه به روش سازمان در عدم ایفای وعده‌ها ناراضیاتی شدیدتر و موج احساسات هر آن بیشتر گسترش پیدا می‌نمود تا ناچار سازمان امنیت دونفر از فضلا را که شریک پرونده بودند آزاد کرد، و در تعقیب اقدامات حضرات علمای اعلام و مراجع عظام چندی قبل از طرف سازمان جلسه‌ای در اداره و جلسه دیگری در دفتر قزل قلعه با حضور عده‌ای از محترمین علمای عظام تشکیل یافت و از طرف سازمان پیشنهاد شد که ما تعهد کنیم شش ماه در شهرستان قم یعنی محلی که وطن فعلی و محل کار ماست نباشیم. سازمان می‌خواست که مادا و طلبانه حاضر به تبعید از قم شویم، چون که می‌دید تبعید جبری نگرانی و احساسات را شدیدتر می‌نماید، ولی این امر چون مغایر با موازین دینی و قانون اساسی و آزادی مسکن و اعلامیه حقوق بشر و مستلزم اعتراف ضمنی به جرم واقع نشده بود از طرف اینجانبان رد شد.

آیا سازمان به جای آنکه از اعمال خلاف قانون خود: بازداشت بدون سبب، اهانتها، شکنجه‌ها، اتلاف نفس بچه معصوم، مریضی و ناراحتی خانواده‌ها و تضییعات شدید در مدت پنج ماه پوزش بطلبد و رییس سازمان قم را به جرم جنایتهای وارده محاکمه کند، صحیح بود خلاف قانون تازه مرتکب شود؟ و با (درخواست) تعهد فوق صورت قانونی به کارهای خود دهد؟ آیا درخواست این موضوع فکری را که مدت‌هاست گسترش پیدا کرده است که دولت در صدد است حوزه علمیه قم را تضعیف نماید تقویت نمی‌کند؟ اگر ما امروز این چنین تعهدی را قبول می‌نمودیم چه چیز مانع دولت بود که فردا عده دیگری از اساتید حوزه را به عنوان واهی بازداشت کند و پس از مدتی با اخذ تعهد عدم سکونت در قم آزاد نماید؟ و بالنتیجه حوزه علمیه قم را تضعیف و عملاً منحل سازد! با استناد به مطلب فوق و خلافکاریهای دیگری که در موقع خود ذکر می‌شود، پس از اظهار تاسف از رویه سازمان امنیت و دولت صریحا اعلام می‌داریم که دولت هرگونه آزادی قلم و بیان را از بین برده، نمی‌خواهد در قلمرو حکومتش کسی از حق آزادی سخن گوید. دولت می‌خواهد جامعه روحانیت را که مسئول امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد مردم و دفاع از اسلام و حقوق مسلمین و حفظ مصالح جامعه اسلامی است، از وظیفه خطیر الهی خود ممنوع سازد، در حالی که این ممنوعیت و فشار با روح اسلام و قانون اساسی کشور مخالفت دارد.

دولت در این راه کار را به جایی رسانیده که اگر مبلغ یا گوینده اسلامی کوچکترین اشاره نسبت به مفساد اخلاقی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم می‌نماید، مورد تعقیب و بازداشت مامورین قرار می‌گیرد و در مقابل با روش مرموزی بتدریج روح دینی را در مردم تضعیف نموده و اخلاق اسلامی را از جامعه سلب می‌نماید.

ممنوعیت هرگونه انتقاد صحیح، آزاد گذاشتن هرگونه فعالیت‌های ضد دینی و ضد اخلاقی، وضع کثیف مطبوعات، سینماها، کاباره‌ها و سایر اماکن فساد، توسعه بلای خانمان سوز و دین برانداز فقر و بیکاری، تصویب قوانین و اعمالی که نتیجه آن تضییع حقوق سیاسی و اقتصادی ملت مسلمان ایران است، دلیل زنده بر این مدعاست. بالاتر از این می‌توان ادعا کرد که اساس دین و مذهب در این کشور در معرض خطر است، چون که دین و مذهب زمانی رسمیت دارد که تشکیلات جامعه براساس آن دور زند، و با آنکه دولتها عملاً نظام اجتماعی ایران را بر مبنای قوانین نجات بخش اسلام قرار نداده رسماً نیز سعی می‌شود که اسمی از اسلام در لوایح مصوبه نباشد، چنانچه در مورد قانون جدید استخدام، شرطیت «مطلق دین» و در آگهی استخدامی ارتش شرط تدین به اسلام حذف شده است.

آیا عملیات چند سال اخیر از حبس، زجر، شکنجه و تبعید نسبت به جامعه روحانیت و سایر مردم آزاده مسلمان، و جریان مدرسه فیضیه، صحن مطهر قم نشانه‌ای از اهداف ضدملی و ضداسلامی دولتها نیست؟ آیا حبس و تبعید یکی از مراجع تقلید شیعه و ممنوعیت فروش رساله ایشان را به چه چیز می‌توان تعبیر کرد؟ آیا آزادی غیر محدود بعضی از اقلیتهای جاسوسی و عوامل صهیونیسم و شرکت دادن آنها در امور حکومتی و مسلط نمودن آنها بر سرنوشت اقتصادی و اجتماعی ملت ایران توهم خطر را نسبت به حریم اسلام تشدید نمی‌نماید؟! ما از این گوشه زندان از این وضع ناهنجار اظهار تاسف نموده، و مخاطراتی را که برای اسلام عزیز و روحانیت و اخلاق عمومی کشور پیشامد نموده به مراجع دینی و حقوقی تذکر داده، آنان را از عواقب سوء آن برحذر می‌داریم. ما هرگونه ناراحتی را به منظور حفاظت از اسلام و روحانیت و مملکت ایران تحمل نموده، مطمئنیم اگر محکمه صالحی با حضور نمایندگان مراجع عظام و جامعه روحانیت و طبقات مختلفه مردم تشکیل شود، پرده از روی بسیاری دیگر از اقدامات ضد دینی و قانونی دولت برداشته خواهد شد. «ما النصر الا من عندالله العزیز الحکیم».

حسینعلی منتظری - الاحقر عبدالرحیم الربانی الشیرازی

**پیوست شماره ۳۰:** نامه معظم‌له به امام خمینی برای اقدام در جهت پیشگیری از اعدام رهبران و بنیانگذاران اولیه سازمان مجاهدین خلق، مورخه ۱۳۵۱/۱/۱۱ شمسی

۱۵ صفر ۱۳۹۲

بسمه تعالی

حضرت آیت‌الله العظمی مدظله‌العالی

پس از تقدیم سلام و تحیت به عرض عالی می‌رساند: چنانچه اطلاع دارید عده زیادی از جوانهای مسلمان و متدین گرفتارند و عده‌ای از آنان در معرض خطر اعدام قرار گرفته‌اند. تصلب آنان نسبت به شعائر اسلامی و اطلاعات وسیع و عمیق آنان بر احکام و معتقدات مذهبی معروف و مورد توجه همه آقایان و روحانیین واقع شده است، و بعضی از مراجع و جمعی از علماء بلاد اقداماتی برای تخلص آنان کرده‌اند و چیزهایی نوشته شده، بجا و لازم است از طرف حضرتعالی نیز در تایید و تقویت و حفظ دماء آنان چیزی منتشر شود، این معنا در شرایط فعلی ضرورت دارد چون مخالفین سعی می‌کنند آنان را منحرف قلمداد کنند، البته کیفیت آن بسته به نظر حضرتعالی است. در خاتمه از حضرتعالی ملتمس دعای خیر می‌باشم.

والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته. ح - ع - م (۱)

××× پاورقی ×××

۱- در سال ۵۱ - ۵۰ چند نفر از موسسین سازمان مجاهدین خلق محکوم به اعدام شدند، و خانواده‌های آنان به منازل مراجع قم مراجعه نموده و در بیت مرحوم آیت‌الله شریعتمداری متحصن شدند.

در آن زمان طلاب حوزه از این تحصن استقبال کردند، اکثر اشخاص مبارز و چهره‌های روحانی از حکم اعدام آنان ناراحت بودند و هرکس به نحوی تلاش می‌کرد تا از اعدام آنان جلوگیری شود، تا آنجا که مرحوم امام موسی صدر که مورد توجه شاه بود از طرف مراجع وقت: آیات عظام گلپایگانی، خوانساری، شریعتمداری و نجفی با شاه ملاقات نموده و حامل پیام شفاهی حضرات مراجع برای شاه مبنی بر عفو آنان از اعدام گردید.

نامه فوق نیز از طرف معظم‌له در همین ارتباط برای حضرت امام ارسال شده است.

خودداری از نوشتن صریح نام امام و امضای صریح به جهت جنبه‌های امنیتی بوده است.

## (پیوستهای شماره ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ داخل متن کتاب آمده است)

**پیوست شماره ۳۴:** پیام معظم‌له به ملت مسلمان و شریف ایران، مورخه ۱۳۵۷/۸/۱۰

بسمه تعالی

ملت مسلمان و شریف ایران

اینک که در نتیجه مبارزات خستگی ناپذیر همه اقشار و طبقات ملت ایران اعم از مراجع عالیقدر، روحانیون، دانشگاهیان، فرهنگیان و جمعیت‌های سیاسی و حقوقی و تجار و پیشه‌وران و سایر طبقات از زندان آزاد شده‌ام، با ملتی عزادار مواجه شده‌ام که در راه تحقق اهداف مقدس اسلامی و انسانی خود قربانیها داده و خونها نثار کرده است.

شکی نیست که آزادی خود و دیگر برادران آزاد شده را مدیون همین تلاشها و فداکاریها می‌دانم. از این رو ضمن تشکر از همه قشرها و طبقات، خود را در جمیع مصیبت‌های وارده شریک دانسته و مراتب همدردی و تسلیت خود را به همه خانواده‌های داغدار تقدیم می‌دارم و امیدوارم با پیگیری مبارزات به رهبری مراجع معظم بویژه حضرت آیت‌الله العظمی خمینی دامت برکاته‌عالیه و فشرده‌کردن صفوف و تصفیه‌از عناصر مشکوک که احیانا در جهت مخالف جنبش اسلامی گام برمی‌دارند و با همبستگی کامل برادران اسلامی به پیروزی کامل جنبش خود و برقراری یک نظام صددرصد اسلامی و دینی موافق و منطبق با شرائط و پیشرفت زمان نائل شویم. اینجانب اکنون به علت کثرت ایاب و ذهاب و عوارض زندان که نتیجه فشارها و شکنجه‌های جسمی و روحی گوناگون می‌باشد در وضعی نیستم که در این فرصت کوتاه بتوانم به تفصیل در باره اوضاع حساس کشورمان سخنی بگویم.

کوتاه سخن آنکه در شرائط فعلی و اوضاع آشفته سامان یافتن وضع کشور ما فقط با بازگشت و پیروی از اهداف و منویات مرجع و زعیم عظیم‌الشان اسلام حضرت آیت‌الله العظمی خمینی امکان‌پذیر است، ان شاءالله.

در فرصتهای آینده، دیدگاهها و نقطه‌نظرهای خود را مفصلا در معرض افکار عمومی ملت مسلمان قرار می‌دهم.

در خاتمه توجه به این نکته لازم است که بحمدالله جنبش اسلامی ملت ما به مرحله‌ای رسیده که با توطئه‌ها و شیوه‌هایی نظیر تغییر لباس مامورین و استخدام کولی‌ها و زاغه نشین‌ها و... نمی‌توان از موج فزاینده آن جلوگیری نمود. ملت مسلمان در اثر رشد و آگاهی مذهبی و سیاسی خود ریشه این توطئه‌ها را تشخیص می‌دهد. امید است به لطف خداوند متعال و توجهات حضرت ولی‌عصر ارواحنا فداه هرچه زودتر ملت مسلمان ایران به پیروزی کامل برسد و با اتحاد و همبستگی، ایادی استعمار چپ و راست را از کشور قطع نماید.

ضمنا یادآوری می‌شود که من هنگام وداع با دوستان از زندان با چشم‌گریبان بیرون آمدم زیرا سایر هم‌بندیهای خود را در بند می‌دیدم در صورتی که بیشتر آقایان به اتهاماتی سست و بی‌اساس از قبیل خواندن یک کتاب و یا یک اعلامیه و یا ایراد یک سخنرانی مذهبی و یا فضاکامک مختصری به خانواده بی‌بضاعت یک زندانی دستگیر و محاکمه و به زندانهای طویل‌المدت محکوم شده‌اند، لذا وظیفه خود و همه‌قشرهای آگاه می‌دانم که تا سر حد موفقیت در خواست آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی را یکی از خواسته‌های خود قرار دهند.

والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته



۱۳۵۷/۸/۱۰ - حسینعلی منتظری

**پیوست شماره ۳۵:** تلگراف تسلیت معظم له به امام به مناسبت فقدان آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی

۵۷/۸/۱۱ - اول ذی الحجه ۹۸

بسمه تعالی

قم - پاریس، حضرت آیت الله العظمی الامام خمینی مدظله العالی  
مصیبت جانگداز از دست دادن عالم عامل و فاضل مجاهد، فرزند عزیز و همراهان حضرت  
حجه الاسلام آقای حاج آقا مصطفی موسوی طاب ثراه را به آن حضرت و خانواده محترمه تسلیت  
عرض نموده، ضمناً مراتب تاسف و انزجار شدید خود را از رفتار غیر انسانی رژیمهای ایران، عراق و  
کویت نسبت به آن حضرت اظهار داشته، امیدوارم هجرت جنابعالی به تحولی در جنبش عظیم  
اسلامی ملت مسلمان ایران بیانجامد. عظم الله اجورکم فی تحمل تلك المصائب و ابقی وجودکم  
الشریف لتقویة الاسلام و قیاده الامه الاسلامیه.  
حسینعلی منتظری

**پیوست شماره ۳۶:** پیام معظم له به مردم غیور اصفهان و نجف آباد، مورخه ۱۳۵۷/۸/۱۴

۴ ذی الحجه ۹۸ - ۵۷/۸/۱۴

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و خواهران مسلمان استان اصفهان و شهرستان نجف آباد ایدهم الله تعالی  
سلام بر شما همه برادران و خواهران مبارز و مسلمانی که در راه به دست آوردن حقوق انسانی و  
اسلامی خود از هیچ گونه رنج و تلاشی دریغ نمی نمایید. درود بر شهدای اسلام و قرآن، درود بر  
شهدای وقایع اخیر ایران که در راه عظمت بخشیدن جامعه اسلامی به شهادت رسیده اند. درود بر  
خانواده های داغ دیده که با از دست دادن جوانان رشید و عزیز خود بیش از پیش چهره شوم  
استبداد حاکم بر ایران را رسوا نمودند.

این فداکاری شما مردم شرافتمند و مسلمان اصفهان و حومه بود که رسوایی رژیم استبدادی ایران  
را بیش از پیش آشکار ساخت و او را برای اولین بار به اعلان حکومت نظامی واداشت. اکنون که به  
وسیله فداکاریها و از خود گذشتگیهای ملت مسلمان از زندان آزاد شده و آزادی خود وسایر  
زندانیان سیاسی را که به اتهامات واهی و سست سالها عمر خود را در سیاهچالهای زندان سپری  
نموده، مدیون مجاهدتهای ملت مسلمان می بینم.

بدیهی است این فداکاریها تا پیروزی نهایی و استقلال و آزادی کامل مملکت از چنگال اجانب چپ  
و راست و تشکیل حکومت اسلامی به رهبری علمای اعلام خاصه مرجع عالیقدر اسلام حضرت  
آیت الله العظمی نایب الامام خمینی دامت برکاته ادامه خواهد داشت.

با اشتیاق فراوان که به دیدار شما مسلمانان آگاه و فداکار دارم، تصمیم داشتم روز جمعه ۹  
ذی الحجه ۹۸ خدمت رسیده و حضوراً از احساسات پاک شما تشکر کنم، ولی کثرت رفت و آمد و  
ضعف جسمی که در اثر ناملایمات و فشار زندان برایم پیش آمده سفرم را به تاخیر  
انداخت. ان شاء الله در فرصت مناسب به دیدار شما برادران و خواهران مسلمان خواهیم رسید.

بدین وسیله از محبتهای خالصانه و بی شائبه شما سپاسگزاری می شود، و با یاری خداوند متعال  
مبارزات حق طلبانه ملت ما تا پیروزی نهایی و تشکیل یک نظام صددرصد اسلامی ادامه خواهد

یافت.

در پایان، توفیق همگان را در اجرای اهداف مقدس قرآن و خدمت به همه مسلمین و قطع ایادی استبداد و استعمار از کشورهای اسلامی به ویژه مملکت عزیزمان از خداوند بزرگ مسالت می‌نمایم.

والسلام علیکم ورحمه‌الله و برکاته  
۴ ذی‌الحجه ۱۳۹۸ - حسینعلی منتظری

**پیوست شماره ۳۷:** پیام معظم‌له به اساتید دانشگاه اصفهان، مورخه ۱۳۵۷/۸/۱۵

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

اساتید محترم دانشگاه اصفهان، برادران و خواهران دانشگاهی

اکنون که در نتیجه مبارزات ملت مسلمان ایران به آزادی نسبی دست یافته‌ام، با شرایط حساس و سرنوشت ساز کشورمان روبرو شده‌ام، شرایطی که کوچکترین ساده نگری و غفلت ممکن است کشور را به پرتگاهی عمیق سوق دهد.

مرحله کنونی نهضت که ملت مسلمان را در آستانه پیروزی قرار داده ارزان به دست نیامده، بلکه نتیجه مستقیم شهادت‌ها، زندان‌ها، تبعیدها، محرومیت‌ها و قتل عام‌های پی‌درپی مردم مسلمان شهرهای ایران است که متأسفانه هنوز هم ادامه دارد، نمونه جدید و بارز آن حمله وحشیانه اخیر به دانشجویان عزیز دانشگاه تهران و سایر مردم مسلمان حمایت کننده از آنان است که به قتل و جرح عده کثیری انجامیده و نفرت مسلمانان خاصه حوزه علمیه را بیش از پیش برانگیخته و متأسفانه هنوز از تعداد کشته‌ها و مجروحین اطلاع دقیقی نداریم.

برادران و خواهران مسلمان، توجه دارید که در این شرایط حساس چه مسئولیت سنگینی متوجه ما می‌باشد. رژیم حاکم که تمام درها را به روی خود بسته می‌بیند، دست به آخرین تلاش‌های خود زده و به این حقیقت رسیده که ملت مسلمان ایران در این جنبش عظیم اسلامی خودبه رهبری مراجع معظم بالاخص حضرت آیت‌الله العظمی نایب‌الامام خمینی دامت برکاته تا رسیدن به حکومت اسلامی زیر نظر روحانیت آگاه و رجال سیاسی متعهد، از دادن هزاران قربانی و شهید دریغ نکرده و نخواهد کرد، و از طرفی توطئه‌های اخیر خود را که با شیوه‌های مختلفی از قبیل تغییر لباس مامورین و استخدام کولیه‌ها و زاغه نشینها صورت گرفته شکست خورده می‌بیند، از این رو ملت مسلمان ما باید آگاهانه با مسائل جاری برخورد کند تا به خواست خداوند متعال محصول این همه فداکاریها و قربانیها را خود در جهتی که انتخاب کرده به دست آورد، بدین منظور تذکر چند نکته لازم است:

۱- جنبش عظیم ملت ما از آغاز با زیربنای ایدئولوژی اسلامی آغاز گشته و در تمام طول عمر خود با همه نوسانات و بحرانات و توطئه‌هایی که در سر راهش بوده اصالت اولیه خود را حفظ کرده و تا پایان نیز حفظ خواهد کرد، و در پرتو رشد مذهبی-سیاسی ملت مسلمان که محصول رهبریهای قاطعانه حضرت آیت‌الله العظمی نایب‌الامام خمینی می‌باشد از هرگونه انحرافی محفوظ خواهد ماند، و تلاش‌های نامرئی و مرموز برای لکه‌دار کردن جنبش اسلامی بی‌نتیجه خواهد بود.

۲- پیروزی نسبی به هیچ وجه نباید ما را فریفته و موجب غرور کاذب و ساده‌اندیشی گردد، و در شرایط کنونی که ملت مسلمان ما بر سر دوراهی مرگ و حیات است و دستاورد نهضت اسلامی مورد تهدید و توطئه‌های بین‌المللی چپ و راست قرار گرفته دچار تردید سازد، چه آنکه در منطق قرآن پیروزی نیروهای توحیدی در برابر طاغوت در سایه مبارزه و استقامت قطعی است «فاصبر ان وعدالله حق و لایستخفنک الذین لایوقنون».

۳- پیشرفت روز افزون نهضت بزرگ ملت ما رژیم را سخت در تنگنا قرار داده، و آگاهی و هوشیاری اقشار ملت مسلمان به هیچ وجه نخواهد گذاشت تا بر سر خونهای شهدای عزیزش که به سرنوشت ملت بزرگ اسلام مربوط می شود مصالحه و معامله انجام گردد.

۴- وحدت کلمه و همبستگی اسلامی از مهمترین شرایط پیروزی است، بنا براین با تمام قدرت و کمال هوشیاری لازم است با سیاستهای استعماری و نفاق افکن رژیم در هر شکل و قیافه ای باشد مبارزه را ادامه داد، در راه اراده خلل ناپذیر مردم نباید تغییری ایجاد شود.

۵- آنچه در خور تقدیر و ستایش است همبستگی اسلامی شدیدی است که بین قشرهای روحانی، دانشگاهی، فرهنگی، تجار، کسبه، کارگران، کشاورزان و همه گروههای اجتماعی و سیاسی بوجود آمده، به طوری که همگی در صف واحد قرار گرفته اند با آهنگی بس سریع که در شکل اعتصابات گسترده شان نمایان گردیده، به نهضت اسلامی شکوه خاصی بخشیده اند.

از این رو اینجانب ضمن ارسال پیام خود به اساتید و دانشگاهیان محترم دانشگاه اصفهان مراتب تشکر عمیق خود را از جمیع طبقات واقشار مردم مسلمان و مبارز اصفهان اعلام می دارم، و امیدوارم در پرتو توجه خاص حضرت ولی عصر ارواحنفاذ پاهای این همبستگی اسلامی روز به روز با پیوستن کلیه افراد لشکری و کشوری به آن محکمتر شود، و همگی با تشکل نیروهای اسلامی به پیروزی کامل جنبش با برقراری یک نظام اسلامی برسیم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته  
 ۵ ذی الحجه ۱۳۹۸ - حسینعلی منتظری

**پیوست شماره ۳۸:** مصاحبه معظم له با خبرنگار رادیو و تلویزیون آمریکا (ای بی سی) در

تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۹

بسم الله الرحمن الرحيم

س ۱- حضرت آیت الله، به نظر شما در حال حاضر در ایران به چه چیز نیازمند هستید؟  
 ج: در حال حاضر رفع هرگونه استبداد و فشار بر ملت و بازیافتن آزادی و شخصیت برای ملت مورد نیاز ما است.

س ۲- در شرایط کنونی که یک دولت نظامی روی کار آمده فکر می کنید اگر از طرف رهبران دینی دستور جهاد داده شود با موفقیت روبرو خواهد شد؟  
 ج: فعلا که چنین دستوری داده نشده ولی اگر از طرف مراجع دینی چنین دستوری داده شود با موفقیت همراه خواهد بود چون ارتش ما از همین مردم مسلمان تشکیل می شود و جز عده کمی بقیه به عقاید دینی پایبند می باشند و برای مراجع دینی احترام قائلند. البته ممکن است در آغاز، امر را بر عده ای مشتبه کنند و با مشکلاتی مواجه شویم ولی در دراز مدت به صف ملت خواهند پیوست.

س ۳- ممکن است بفرمایید پس اکنون ارتشی که اکثرا پشتوانه مذهبی دارند پس چرا دست به کشتن برادران مسلمان خود می زنند؟  
 ج: آنهایی که دست به کشتار می زنند عده قلیلی هستند از کسانی که هنوز تحت تاثیر تبلیغات رژیم مانده اند وگرنه آنهایی که حقیقت را شناخته اند یا به صف ملت ملحق شده و یا حد اقل دست به برادرکشی نمی زنند و نمونه اش اخباری است که حکایت از پیوستن عده ای از افسران و سربازان به صفوف مردم می کند.

س ۴- حضرتعالی آیا امکان پیروزی بر چنین رژیمی را بدون خونریزی پیش بینی می کنید؟  
 ج: اگر ابرقدرتها و بخصوص آمریکا و شوروی دست از حمایت رژیم موجود بردارند و به خواست

ملت که همان خواست روحانیت و شخصیتی همچون آیت‌الله العظمی خمینی که رهبری نهضت اسلامی را به عهده دارند می‌باشد توجه کامل شود هرگز خونریزی نمی‌شود و خواست ایشان جز با تشکیل جمهوری اسلامی متکی به آراء عمومی تامین نخواهد شد.

س ۵ - این جمهوری که فرمودید خواست ملت و حضرت آیت‌الله خمینی می‌باشد آیا با بودن شاه امکان آن هست؟

ج: فکر نمی‌کنم در خواسته‌های آیت‌الله خمینی که در اعلامیه‌ها و مصاحبه‌های ایشان منعکس است ابهامی وجود داشته باشد.

س ۶ - آیا شرکت در حکومت یاد شده برای همه افراد مقدور است؟

ج: بلی برای همه مقدور است و اقلیتهای مذهبی هم حقوقشان محفوظ و محترم می‌باشد و روابط چنین حکومتی با سایر کشورها حسنه خواهد بود.

س ۷ - در حال حاضر که شاه اعتراف کرده که در گذشته اشتباهات بزرگی شده و هرگز تکرار نخواهد شد آیا این امکان هست که با بودن شاه در راس قدرت دست به تشکیل حکومت اسلامی و یا انتخابات آزاد زد؟

ج: اینجانب نظری غیر از آنچه که ملت و رهبر مذهبیشان آیت‌الله خمینی می‌گویند ندارم و بدون راضی کردن مردم و ایشان هیچ عملی ممکن نیست.

س ۸ - در شرایط کنونی که شاه وعده انتخابات آزاد داده به نظر شما آیا ممکن است با انتخاب

آیت‌الله خمینی از طرف مردم، اختلاف موجود بین رژیم و مردم از بین برود؟

ج: اختلاف آیت‌الله خمینی با رژیم یک اختلاف اساسی است، مسئله این نیست که ایشان بخواهند وزیر یا وکیل بشوند بلکه ایشان خواهان تشکیل یک حکومتی هستند که در آن مردم نقش اصلی را داشته باشند و به خواسته‌های واقعی آنها عمل شود و چنین چیزی جز در پرتو یک حکومت اسلامی ممکن نیست و خیال نشود که پیشنهاد چنین حکومتی به معنی نفی مجلس شورا و قوه مجریه و نفی وزارت و وکالت برای اداره مملکت است. در حکومت اسلامی هم مجلس شورا داریم و هم قوه مجریه و افرادی که از بین مردم برای اجرای دستورات اسلام انتخاب شوند، نهایت نقش آیت‌الله خمینی و سایر علما در چنین حکومتی تشخیص قوانین و مقررات اسلامی و نظارت بر اجرای دقیق آنها است.

س ۹ - به نظر شما کدام بخش از قوانین و یا فرهنگ اسلامی در رژیم موجود صدمه خورده و یا بکلی نابود شده؟

ج: در نظام موجود یک روز هم قانون و فرهنگ اسلام به تمام معنی الکنمه پیاده نشده، توجه دارید که فرهنگ اسلام قابل تفکیک و تجزیه نمی‌باشد.

س ۱۰ - در صورت جایگزین شدن حکومت اسلامی به جای حکومت فعلی به چه نوع اصلاحاتی دست خواهید زد؟

ج: واضح است به اقدامات اساسی و زیربنایی که فعلا مجال بیان آنها نیست دست خواهیم زد.

س ۱۱ - جهادی که قبلا گفته شد ممکن است از طرف علمای دین اعلام شود کیفیت و شرایطش چیست؟

ج: تا کنون چنین امری پیش نیامده، در صورت لزوم و اعلام آن شرایطش از طرف رهبران مذهبی بیان خواهد شد.

س ۱۲ - اگر رژیم فعلی تغییر کند و یک دولت اسلامی روی کار بیاید موضع و خط مشی سیاسی اجتماعی شما در قبال ایالات متحده آمریکا چیست؟

ج: دولت اسلامی اصولا با تمام دولتهای غرب و شرق روابط حسنه خواهد داشت خصوصا غرب که اگر قصد استعمار و استثمار نداشته باشد می‌توان گفت در رابطه با وجه مشترکی که بین

مسیحیت و اسلام وجود دارد چنین دولتی خود را به غرب نزدیکتر می بیند برخلاف شرق که اساساً علاوه بر استعمار و استثمار الحاد زیربنای مکتب سیاسی اقتصادی آنها قرار گرفته که تضادش با اسلام بدیهی است. البته ملت ایران اکنون به علت حمایت صریح کارتر و دیوید اوئن وزیر خارجه انگلستان از رژیم کنونی نسبت به دولتین ایالات متحده و بریتانیا سخت خشمگین شده زیرا در شرایطی که ملت هستی خود را در راه مبارزه با ستم به خطر انداخته و در این راه کشته‌های فراوانی می‌دهد کارتر و دیوید اوئن با تظاهر شدیدشان به دفاع از حقوق بشر! هیچ ارزشی برای احساسات و عواطف ملت قائل نشده و همچنان به سیاست حمایت از رژیم فعلی ادامه می‌دهد.

س ۱۳ - آیا شما پیامی برای مردم دنیا دارید که توسط ما به آنها برسانید؟

ج: پیام من به ملت‌های دنیا این است: در زمانی که هر ملتی حق دارد سرنوشت خودش را به دست خویش تعیین کند آیا ملت مسلمان ایران این حق را نخواهد داشت که سرنوشتش را خود تعیین نموده و دیگران برای او تصمیمی نگیرند؟ آیا روا است که جنبش عظیم اسلامی را در ایران که بدون اتکاء به قدرتهای شرق و غرب در جریان است و به قیمت از دست دادن هزاران کشته و تحمل خسارتهای مادی فراوانی تمام می‌شود نادیده گرفته و هیچگونه حمایتی از آن به عمل نیاید بلکه به عکس گاهی آنرا به ارتجاع و زمانی به پیوند با چپ نسبت دهند، بدینوسیله من از تمام مردم جهان می‌خواهم که با ملت مسلمان ایران هم صدا شده و نهضت اصیل آنها را در سطح جهانی تایید و یاری کنند و این احساسات و عواطفی را که مردم ما با خون خود امضاء می‌کنند نادیده نگیرند.

**پیوست شماره ۳۹:** پیام معظم‌له به آیت‌الله شبیر خاقانی درباره کشتار وحشیانه رژیم شاه در مراسم نماز عید قربان خرمشهر، مورخه ۱۳۵۷/۸/۲۱

بسم‌الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ محمد طاهر خاقانی دامت برکاته پس از اهدای سلام، خبر تاثرانگیز حمله و کشتار وحشیانه دژخیمان رژیم در خرمشهر در مراسم نماز عید قربان باعث ناراحتی شدید گردید، «انا لله و انا الیه راجعون». مردم غیور خرمشهر نیز همگام با دیگر شهرها نشان دادند که برای اعلامی کلمه حق و نابودی باطل تا آخرین قدم به مبارزه ادامه خواهند داد.

ضمناً بجاست به پیروی از اوامر موکد مرجع عظیم الشان اسلام حضرت آیت‌الله العظمی خمینی مدظله‌العالی به وضع کارمندان اعتصابی دوائر دولتی و کسبه مخصوصاً شرکت نفت رسیدگی جدی شود، و در رابطه با تنگنا قرار گرفتن از جهت مسکن، علمای اعلام اقدام فرموده و مردم شریف و متدین در منازل خویش از آنان پذیرایی نموده و داستان مهاجرین و انصار را بار دیگر در تاریخ اسلام تکرار نمایند.

از خداوند متعال توفیق همگان را در ادامه نهضت تا برقراری نظام صددرصد اسلامی خواستارم. حسینعلی منتظری

**پیوست شماره ۴۰:** تلگرام آیت‌الله شبیر خاقانی در پاسخ به پیام معظم‌له

۱۵ ذی‌الحجه ۱۳۹۸ - ۱۳۵۷/۸/۲۵

خرمشهر - قم

بسمه تعالی

حضرت آیت الله آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری دامت برکاته پس از اهداء تحیات، مراتب تسلیت آن جناب راجع به وقایع تاسف بار و غم انگیز خرمشهر واصل، بدیهی است این ایام که ملت مسلمان ایران به پیروی از منویات مقدس جامعه روحانیت برای نیل به اهداف عالی اسلامی و اعلائی کلمه حق تحت لوای حکومت اسلامی بپاخاسته متاسفانه هر روز در سرتاسر کشور با مصائب دردناکی از طرف حکومت استبداد مواجه می شود. حادثه جانگداز روز عید قربان خرمشهر که باعث کشته و مجروح شدن عده کثیری از مسلمانان غیور این منطقه حساس شد بار دیگر قلب مقدس ولی عصر (عج) را جریحه دار و جامعه روحانیت و ملت مسلمان را عزادار نمود، ولی مسلم است که ملت مسلمان ایران با اینگونه اعمال در راه این هدف مقدس تا کسب آزادی از پای نخواهد نشست. اینجانب ضمن عرض تسلیت به پیشگاه ولی الله المنتقم (ع) و جامعه روحانیت و ملت مسلمان از خداوند متعال توفیق همگان و ریشه کن شدن ظلم و فساد را خواستارم.

خرمشهر - محمد طاهر آل شبیر خاقانی

**پیوست شماره ۴۱:** پاسخ معظم له به پیام روحانیون شهرستان نجف آباد پیرامون جنایات

خونبار رژیم در این شهرستان و... مورخه ۱۳۵۷/۸/۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرات حجج اسلام و وعاظ محترم شهرستان نجف آباد دامت افاضاتهم پس از سلام و تحیت، نامه تاثر انگیزتان مشتمل بر اخبار مولمه در رابطه با آخرین حملات و وحشیانه رژیم حاکم به مردم بی دفاع و شجاع آن شهرستان واصل شد و موجب تاسف عمیق گردید. این روزها در ایران، فجیع ترین جنایات و کشتار - که در حقیقت چهره واقعی «فضای باز سیاسی» و «آشتی ملی» می باشد - عادی ترین شکل رابه خود گرفته و ریختن خون انسانهای بی گناه، حتی زنان و کودکان معصوم، امری عادی شده، هر روز و هر ساعت از نقاط مختلف، فاجعه یافجایی گزارش می شود که هر یک از دیگری دلخراشتر است. این وقایع بر خلاف تفاوتهای ظاهری، حکایت از تحولاتی در روند جنبش اسلامی ملت ایران دارند که از باب نمونه به برخی از آنها اشاره می شود:

۱ - ملت مسلمان ما بر اساس پیروی از آیات عظام و علمای اعلام بویژه مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی در راه گسستن زنجیرهای استبداد و استعمار و نیل به آزادی و استقلال در پرتو حکومت اسلامی مصمم و قاطع است و در این مسیر که مسیر انبیای عظام و ائمه اطهار علیهم السلام است از دادن قربانیها و تحمل خسارات مالی و جانی هر قدر لازم باشد دریغ ندارد.

۲ - رژیم حاکم که از ابتدا هیچگونه پیوندی با ملت نداشته با جنایات و کشتارهای پی در پی در سراسر کشور روز به روز بر کینه و نفرت مردم مسلمان افزوده به نحوی که خصومت و تضاد با نظام حاکم در متن زندگی همه طبقات قرار گرفته و هر روز به شکلی نمایان می شود.

۳ - وحدت کلمه و همبستگی همه اقشار ملت مسلمان ما که از یک اصل اعتقادی و ایدئولوژیکی سرچشمه می گیرد در مراحل مبارزات کنونی رشد یافته و روز بروز بر تشکل و یکپارچگی همه طبقات افزوده می شود و دیگر سیاست تفرقه و نفاق افکنی موثر نخواهد بود. ضمانیادآوری می شود که بر همه ما لازم است که به شناخت خود از اسلام عزیز و جنبه های اقتصادی و سیاسی آن عمق بیشتری داده و با همبستگی کامل در اجرای دستورات اسلام و عمل به آن جدیت و کوشش خود را مبذول داریم تا دشمنان شناخته شده اسلام و مسلمین و استعمارگران شرق و غرب را در

نقشه‌های شومشان علیه مکتب اسلام ناکام سازیم.  
 اینجانب بار دیگر تاسف عمیق خود را از وقایع اسف انگیز شهرستان نجف‌آباد و سایر شهرستانهای ایران بدین وسیله ابراز، مراتب همدردی خویش را با ملت مسلمان و فداکار ایران اعلام می‌نمایم و برای شهدای عزیزمان رضوان و مغفرت حق را آرزو می‌کنم و از خداوند قادر توفیق صبر و استقامت توأم با بینش و هوشیاری را برای ملت شجاع و مبارزمان در ادامه نهضت مقدس افتخارآمیزمان تا نیل به پیروزی نهایی و برقراری حکومت عدل اسلامی مسئلت می‌نمایم.  
 ۱۴ ذی‌الحجه ۹۸ - قم، حسینعلی منتظری

**پیوست شماره ۴۲:** پیام معظم‌له به آیت‌الله شبیر خاقانی درباره اعتصاب شرکت نفت

۲۷ ذی‌الحجه ۹۸ - ۵۷/۹/۷

بسمه تعالی

حضرت مستطاب آیت‌الله آقای حاج شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی دامت برکاته‌العالیه پس از اهداء سلام، سلامت و موفقیت شما و همه برادران مسلمان را در راه اعلاء کلمه توحید و نصرت اسلام از خداوند متعال خواستارم. باری‌پیرو حکم مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی الخمینی مدظله‌العالی در اعلامیه مورخه ۲۱ ذی‌الحجه مبنی بر قطع صدور نفت ایران به خارج و تاکید بر اینکه اعتصابات نفت همراه با جنبش اسلامی ملت ایران آغاز و ادامه یابد، به نظر رسید بسیار بجا خواهد بود که علمای اعلام منطقه خوزستان بویژه حضرتعالی به تایید این حکم و تقویت روحیه برادران خوزستانی خصوصا کارمندان و کارگران صنعت نفت و اظهارانزجار نسبت به فشارهایی که بر آنان واقع شده، اقدام فرموده و در پشتیبانی از نظریه معظم‌له پیشقدم شوند، به همین منظور پیشنهاد می‌شود روز شنبه اول ماه محرم ۹۹ که سرآغاز ماه شهادت و انقلاب است به عنوان روز همبستگی ملت ایران با کارکنان صنعت نفت اعلام شود و از همه اقشار مردم برای همبستگی با کارگران و کارمندان نفت دعوت عمومی به عمل آید. مناسب است که این دعوت ابتدائاً از ناحیه حضرتعالی و سایر علمای اعلام خوزستان آغاز شود و طبیعی است که مورد تایید و پشتیبانی حوزه علمیه قم و مقامات روحانی قرار خواهد گرفت. توضیح بیشتر در این زمینه را حامل نامه که از دوستان مورد اعتماد است حضوراً عرضه خواهد کرد.  
 والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته  
 حسینعلی منتظری

**پیوست شماره ۴۳:** پیام معظم‌له به مناسبت راهپیمایی تاسوعا و عاشورا و کشتار وحشیانه رژیم شاه در شهرهای اصفهان و نجف‌آباد، مورخه ۱۳۵۷/۹/۲۴

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر والصلوه، ان الله مع الصابرين، و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء و لكن لاتشعرون. ولنبلونکم بشیی من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين. الذین اذا اصابتهم مصیبه قالوا انا لله و انا الیه راجعون. اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمه و اولئک هم المهتدون».

ملت مسلمان و شجاع ایران

بار دیگر رژیم استبدادی ایران دست به جنایتی وحشتناک زد که ابعاد آن به مراتب از جنایات قبل



بیشتر و هولناکتر بود. چون ملت شریف ایران در روزهای تاسوعا و عاشورای سرور شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام راهپیماییهای عظیم و باشکوهی را که در حقیقت یک رفراندوم تاریخی بود در سراسر کشور، حتی در قراء و قصبات، ترتیب داد و بدین وسیله نظام استبدادی موجود را محکوم و خواست خود رامینی بر تشکیل حکومت جمهوری اسلامی به رهبری مراجع عالیقدر اسلام، به ویژه حضرت آیت الله العظمی خمینی مدظله العالی اعلام نمودند.

رژیم ایران به دنبال این رفراندوم تاریخی (که در هر کشور دیگر به وقوع می پیوست رژیم آن قهرا ساقط می شد) فهمید که هیچ گونه پایگاهی در میان مردم ندارد، به ناچار تحت تظاهرات به اصطلاح ملی و میهنی! به نفع رژیم عده‌ای از اشرار و اوباش مزدور را در پناه مامورین دلال در اکثر شهرهای ایران به راه انداختند و با شعار «جاوید شاه» به ملت مسلمان حمله کردند و عده زیادی را کشته و یا مجروح کردند، مساجد و بیمارستانها، منازل، مغازه‌ها و وسایل نقلیه را به آتش کشیده و یا تخریب نمودند و حتی نوامیس مردم را مورد تجاوز و هتک قرار داده و به مقدسات مذهبی اهانت نمودند.

از باب نمونه، عمال و مزدوران رژیم در روزهای یازده و دوازده محرم در یک عقب نشینی تاکتیکی ناگهان به طور بی سابقه و هولناکی شهر اصفهان و حومه و نجف آباد را محاصره نموده و از زمین و هوا مردم بی دفاع را مورد حمله وحشیانه قرار دادند و از هیچ جنایتی خودداری نکردند، زدند و کشتند و سوختند و غارت کردند و این دو شهر را به صورت شهر جنگ زده درآوردند و بدین وسیله محیطی توأم با رعب و وحشت بوجود آوردند که مردم به ناچار به خانه‌ها و مساجد و کوچه‌های بن بست پناه بردند، ولی متأسفانه در آنجاها نیز مردم از یورش مامورین بدتر از مغول محفوظ نماندند، داروخانه‌ها به آتش کشیده شد و بیمارستانها مورد هجوم واقع شد و حتی مردمی که برای اهدای خون رفته بودند، در بیمارستان و اطراف آن به شهادت رسیدند، خانه پزشکان مسلمان و متعهد را به گلوله بستند، به نحوی که در این دو شهر صدها کشته و هزاران مجروح به جای مانده است.

آری این است معنای حفظ امنیت و نگاهداری از اموال و نفوس مردم، ولی رژیم ایران باید بداند که با این گونه حملات وحشیانه نمی تواند ملت متعهد را از انجام وظایف شرعیه باز دارد، ملت رشد و آگاهی پیدا کرده و به وظایف خود آشنا شده است و برای نیل به پیروزی نهایی از هیچ گونه فداکاری دریغ نخواهد کرد و از تهدیدات رژیم پوشالی نمی هراسد، به اعتصابات خود ادامه خواهد داد، و مخصوصاً کارگران و کارمندان صنعت نفت که حیات اقتصادی ملت ایران در اختیار آنهاست با کمال شجاعت و شهامت از دستور رهبر عالیقدر جهان اسلام مبنی بر ادامه اعتصابات پیروی خواهند کرد.

اینجانب ضمن تسلیت به برادران و خواهران داغ دیده و مصیبت زده، مراتب تاسف عمیق و همدردی خود را به عموم ملت مسلمان ایران به ویژه مردم اصفهان و حومه و نجف آباد اظهار داشته، و به پیروی از رهبر نهضت روز دوشنبه هفدهم محرم را روز عزا و تعطیل عمومی اعلام می دارد، و بدین وسیله از تمام ملت‌های مسلمان و آزادیخواه جهان و مجامع حقوقی و بین المللی استمداد کرده و صدای مظلومیت ملت مسلمان ایران را به گوش آنها می رسانم، و پشتیبانی آنها را از جنبش اسلامی ایران که الگویی برای سایر کشورهای اسلامی منطقه و ملل آزادیخواه جهان درآمده تقاضا دارم. به امید پیروزی نهایی در سایه صبر و استقامت.

جمعه ۱۴ محرم ۱۳۹۹ - قم، حسینعلی منتظری

**پیوست شماره ۴۴:** پیام معظم له به ملت مسلمان ایران در مورد توطئه جدید عمال شاه

و ایجاد اختلاف بین مردم شهرها و روستاهای ایران، مورخه ۱۳۵۷/۱۰/۳



بسم الله الرحمن الرحيم

ولايجرمکم شنن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی

برادران و خواهران مسلمان، همانطور که آگاهی کامل دارید پس از شکست توطئه اخیر رژیم مبنی بر براه انداختن دسته‌های اشرار و چماق بدست و حمله به جان و مال مردم، عمال شاه که فعلا از چنگ مردم گریختند به این فکر افتادند که باید صفوف متحد و فشرده مردم و روح اخوت اسلامی حاکم بین شهرها و روستاها را تضعیف نمود تا بدین طریق روح عناد و بدبینی و خصومت که شیوه دیرینه استعمار است، احیاء شده و شیرازه وحدت لازم در پیشبرد جنبش اسلامی را متلاشی سازد، لذا از خشم مردم از حمله چماق بدستان سوء استفاده کرده و به عنوان عکس العمل کار زشت آنان افراد بی گناه و احیانا اطفال کوچک را مورد ضرب و قتل قرار داده و به مردم نسبت داده‌اند. چنانچه شنیده شده در اطراف نجف آباد چند بچه خرد سال را کشته و وانمود کرده‌اند که این مردم‌اند که چنین واکنشی نشان می‌دهند. در این رابطه لازم است تذکردهم با توجه به حساس بودن مرحله کنونی جنبش و اینکه دشمن شکست خورده از هیچ کوششی برای فرصت تدارک نیرو و بازیافتن رمق تازه خود داری نمی‌کند، برادران غیور و مسلمان باید کاملا آگاه باشند و گرفتار حالت انتقامجویی نشوند و بدانند که چنین اعمال ضد انسانی جز از طرف عمال شاه نمی‌تواند باشد، زیرا علاوه بر اینکه با موازین اسلامی مخالفت صریح دارد مسلمانان را گروهی آناارشیست و هرج و مرج طلب معرفی می‌کند و جنبش عظیم و مقدس ما را که جهانیان به آن چشم دوخته‌اند لکه‌دار می‌سازد. لازم است ضمن حفظ نظم و اخوت اسلامی بین شهرها و روستاها افراد فاسد و چماق بدست را شناسایی کامل کرده و زیر نظر داشته باشند تا بزودی پس از اعلام جمهوری عدل اسلامی به رهبری آیات عظام خاصه قائد بزرگ اسلام حضرت امام خمینی مدظله افراد ذکر شده در دادگاههای شرعی و صالح محاکمه و به مجازات برسند. والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

۲۴ صفر ۱۳۹۹ - ۱۳۵۷/۱۰/۳ - حسینعلی منتظری

**پیوست شماره ۴۵:** پیام معظم له به مناسبت چهلم شهدای اصفهان و نجف آباد،

مورخه ۱۳۵۷/۹/۲۹

بسم الله الرحمن الرحيم

ونريد ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین  
برادران و خواهران مسلمان، اکنون که ملت قهرمان و مسلمان ما فداکاری و از خود گذشتگی را به اوج خود رسانده، اکنون که ملت ما پس از عبور از راه دشوار و پر پیچ و خم نهضت به هدف خود نزدیک می‌شود، اکنون که شهیدان ما با خون خود جنبش عظیم اسلامی را آبیاری نموده و شکست و رسوایی را برای دشمن خدا و خلق ما - رژیم سفاک پهلوی - بجای نهادند، اکنون که ملت ما با پشت سر گذاشتن شب تاریک طلیعه غلبه حق بر باطل و اسلام بر کفر را مشاهده می‌کند، و بالاخره اکنون که ملت مسلمان و قهرمان ما در پرتو رهبریهای قاطعانه علمای اعلام و آیات عظام و بالخاصه قائد بزرگ اسلام حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی با فرار شاه در آستانه سرنگونی کامل رژیم ارتجاعی و ضد اسلامی شاهنشاهی و برقراری حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفته، بار دیگر خاطره شهیدان این جنبش اسلامی را که بانثار خونهای خود درخت نهضت و انقلاب اسلامی را بارور کرده گرامی می‌داریم و برای آن عزیزان از دست رفته مغفرت حق تعالی و علودرجات را طلب می‌کنیم. عزیزانی که با آگاهی و خون خود تمام توطئه‌های دشمن را در نطفه خفه کردند و ثابت نمودند که مرگ با افتخار در راه خدا از زندگی مذلت بار به

مراتب بهتر است.

در چهل روز پیش بود که رژیم خونخوار شاه دو شهر اصفهان و نجف آباد را به خاک و خون کشید و در یک یورش وحشیانه چماق بدستان مزدور خود در حمایت پلیس این دو شهر را به صورت شهر جنگ زده در آورد و صدها کشته و زخمی و بسیار خانه و مغازه سوخته بجای گذاشت و اموال زیادی از مردم مسلمان به غارت رفت. تاریخ سیاه پنجاه سال دیکتاتوری گذشته بخصوص یک سال اخیر ایران را با خون باید نوشت، شهادتها و قهرمانیهای ملت ما در شهرهای گوناگون این سرزمین اعجاب جهانیان را برانگیخته است. با اینکه شاه مخلوع از کشور فرار کرده و هیچ پایگاه مردمی نداشته و ندارد، در همین دو روز عمال جنایتکار او با اجرای توطئه‌های محکوم به شکست اربابانش در شهرهای دزفول، اندیمشک، اهواز، اراک و منطقه نهاوند و نجف آباد و برخی نقاط دیگر دست به حمله وحشیانه زده و پس از نابود کردن وسائل و اموال مردم عده‌ای را به خاک و خون کشیدند. ملت آگاه ایران می‌داند که لحظات بسیار حساسی را می‌گذراند و کوچکترین غفلت و ساده نگری ممکن است از سرعت روند جنبش عظیم بکاهد و به دشمن اسلام و مردم مجال تدارک نیرو و ترتیب حمله مجددی را بدهد. لذا لازم است نکات زیر مورد توجه واقع شود:

- ۱- ملت مسلمان ایران باید صفوف خود را بیش از پیش فشرده و متحد نماید و به عناصر احيانا فریب خورده و مزدور اجازه ندهد تا به بهانه‌های واهی و پوچ در جبهه متحد آنان رخنه نمایند.
- ۲- از برخورد خصمانه با برادران ارتشی که دستشان به جنایت و خونریزی آلوده نشده جدا بپرهیزند و بلکه دست برادری به آنان بدهند و با کمک آنان در تقویت استقلال کشور و حفظ آن از حملات استعمارگران و تجزیه طلبان شرق و غرب کوشش نمایند.
- ۳- از افراد پلیس و ارتش می‌خواهیم که بیش از این راضی نشوند که خود را فدای رژیمی نمایند که ثروت و منافع مملکت را در انحصار خود و هزار فامیل خود قرار دادند و مملکت را به خاک سیاه نشانده‌اند. رژیمی که منفور ملت است و ملت با فراندوم‌های پیاپی بخصوص در تاسوعا و عاشورا و اربعین حسینی بی‌اعتباری و بی‌پایگی آن را ثابت نمود.

اینجانب ضمن اعلام همدردی با تمام خانواده‌های شهدای اخیر، مراتب تسلیت خود را به همه ملت ایران به ویژه اهالی شهرستان اصفهان و نجف آباد که روز یکشنبه ۲۲ صفر را به مناسبت چهلمین روز شهدای اخیر خود به سوگ می‌نشینند تقدیم داشته و امیدوارم هر چه زود تر پیروزی جنبش ما با تشکیل جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی مبشر نجات تمام مسلمین و مستضعفین جهان باشد. والسلام علیکم.

۲۰ صفر ۹۹ - حسینعلی منتظری

**پیوست شماره ۴۶:** پیام معظم له به مناسبت پایان اعتصاب ملت مسلمان و شجاع ایران،

مورخه ۱۳۵۷/۱۱/۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت مسلمان ایران، برادران و خواهران گرامی

اکنون که به خواست خداوند قاهر غالب، نهضت انقلابی اسلامی شما که با خون شهیدان پاکتان آبیاری شد، به ثمر رسیده و از زیر بار استبداد و استعمار سرخ و سیاه رها شده‌اید، لازم است به نکات زیر توجه شود:

- ۱- حفظ و ابقاء آزادی و عدالت تحصیل شده نیز بسته به مقدار رشد و فداکاری شما است.
- ۲- لازم است همه اقشار ملت همبستگی و وحدت کلمه خود را همچون گذشته حفظ نمایند و متوجه تحریکات دشمنان باشند زیرا اینک تنها سلاح دشمن ایجاد اختلاف و تفرقه افکنی است.
- ۳- افراد غیر مسئول از بازداشت افراد بطور کلی خود داری نمایند و مطمئن باشند که افراد فاسد

و لازم التعقیب، شناسایی شده و می‌شوند و به‌زودی بازداشت و مجازات خواهند شد.

۴- پخش اسلحه و مهمات جنگی در بین مردم عادی، امنیت کشور را در معرض خطر قرار می‌دهد. واجب و لازم است اسلحه و مهمات جنگی به مراکز و افراد تعیین شده از طرف کمیته‌های اسلامی تحویل گردد تا به مراکز و افراد صالحه انتقال یابد.

۵- از کارمندان و کارکنان و مسئولین محترم ادارات دولتی و موسسات عمومی تقاضا می‌شود که کاملاً بر کار خود مسلط شوند و در حفظ و پاسداری اموال دولتی و عمومی جدیت کنند و با احساس مسئولیت و رویی باز با مراجعین خود مواجه شوند. از کار و انجام وظایف محوله فرار نکنند و در هر لحظه خدا را شاهد و ناظر رفتار خود بدانند.

۶- از تجار و اصناف و پیشه‌وران استدعا می‌شود در کسب و کار خود انصاف و عدالت را رعایت فرمایند و از کسب‌های حرام و معاملات ربوی اجتناب کنند، از سد معابر عمومی پرهیز نمایند و با روی باز و اخلاق خوش با مراجعین برخورد نمایند و چون در اثر اعتصاب بازار و بانکها و وضع سفته‌ها و چکها و مطالبات آشفته شده، با صلح و سازش با یکدیگر رفتار نمایند. طلبکاران به بدهکاران فشار نیاورند و بدهکاران نیز در پرداخت بدهکاریهای خود سهل‌انگاری و مسامحه نکنند.

۷- از کشاورزان محترم تقاضا می‌شود که در تولید محصولات کشاورزی و ارزاق عمومی و توسعه دامپروری کوشش نمایند و همیشه توکل به خدا داشته باشند و از حرام اجتناب نمایند و فعلاً به زمینهای شرکتهای زراعی و وسائل کشاورزی دولتی و جنگلها و کلیه اموال دولتی وابسته به شاه و اطرفیانش دستبرد نزنند و در حفظ و حراست آنها کوشش نمایند، و نگذارند به یغما رود تا از طرف مراجع صالحه دینی تکلیف قطعی آنها تعیین شود. امید است همه شما این وظیفه ملی و دینی را به خوبی انجام دهید. همه شما پاسداران اموال عمومی و اسلامی هستید. خدایه همه شما اجر بدهد. بیش از همه ترقی و تعالی کشور وابسته به همت و جدیت کشاورزان و کارگران محترم است. شما هستید که با کوشش و فعالیت خود اوضاع اقتصادی کشور را سامان می‌دهید و کشور را از وابستگی اقتصادی به کشورهای استعمارگر نجات می‌دهید.

ضمناً توصیه می‌شود از ذبح حیوانات باردار اهلی و جنگلی و ذبح بره‌های شیرخوار حتی المقدور پرهیز شود زیرا این امر گذشته از جنبه عاطفی به اوضاع اقتصادی کشور لطمه می‌زند. خوب است با حس و ترحم با حیوانات رفتار شود.

**پایان**



▶▶ **KIM eNews** ◀◀



MAC.G4 NisusWriter/ Kista InfoMedia/ KIM eNews/ kelk@chello.se/2000-12-17

■ خواننده گرامی؛ جهت تهیه شماره‌های پیشین خبرنامه به سایت‌های زیر مراجعه کنید.

آدرس سایت گويا: <http://www.gooya.com>

آدرس سایت مهدی: [www.mehdis.com](http://www.mehdis.com)